

کردستان قهرمان همچنان پرچم سرخ و خونین انقلاب را برافراشته نگهداشته است. ارتجاع زبونانه میکوشد با بمباران شهرها و روستاها این خلق قهرمان را به زانودر آورد اما خلق کرد فریاد میکشد: «هرخانه مان یک سنگری، هر دستمان مسلسلی هر قلبمان نارنجکی، اگر همه کشته شویم، خلق سلاح نمیشویم»

مروری کوتاه بر پیکار دلیرانه مردم مبارز سنندج

۲۵ روز دلاوری و مقاومت قهرمانانه خلق کرد!



بیش از سه هفته از تهاجم جنایتکارانه مجدد رژیم جمهوری اسلامی به کردستان می گذرد. مبارزات انقلابی و پیکار قهرمانانه خلق کرد در این مدت نشان داده است که رسول حسن رژیم به هر حمله، به هر شیوه سرکوب و با هر نوع تسلیمات دروغ بر علیه خلق رزمنده کرده شکست انجا میدهد است و خلق کرد با استواری هر چه تنها مترنا کسب خود مختاری کامل و آزادی از استعماری و طبقاتی در چهار رجب ایرانسی مستقل و آزاد دست از پیکار نخواهد کشید. برای به اجراء در آوردن سرکوب مجدد رژیم ابتدا مسئله استقرار ارتش در نواحی مرزی برای بند شعبه عراق را به فرار دادنا با این حمله خلق کرد را در نواحی مره کامل نظامی فرار دهد، اما بقیه در صفحه ۵

انحلال طلبی در پوشش فریادهای وحدت طلبانه
● اصولیت عامل «نیرو» در ائتلاف و عکس العمل گروههای موسوم به خط ۳

طرح عامل «نیرو» و چگونگی موقعیت نیروهای مختلف درون جنبش کمونیستی در سطح جنبش و در بین توده ها بعنوان یکی از دو عامل مورد نظر ما در ائتلاف (۱) برای معرفی کاندیداهای مشترک در جریان انتخابات مجلس شورای ملی، عکس العمل طبیعی برخی گروههای موسوم به خط ۳ را برانگیخت بدین ترتیب اختلاف دیدگاه استکلاسی ما با این نیروها، که بالطبع جدا از اختلافات سیاسی - اندشولوزیک ما نمی توانند باشد، یکبار ردیکر وجود خود را در عرصه ای دیگر نشان داد. اختلافی که در سینه وسایقه دارمی با دوا سجا و آنجا خود را نشان داده است. ما این اختلاف را، اختلاف نظرات خود با نظرات بقیه در صفحه ۱۰

کوشش برای تشکیل دولت: گامی در جهت تقویت موقعیت بنی صدر

جمعه گذشته در جریان انتخابات مرحله دوم مجلس شورای اسلامی بنی صدر درخواست های سه گانه ز سر را از آیت الله خمینی مطرح کرد:

۱- انتخابات نخست وزیر با تصویب امام
۲- قوای انتظامی در اختیار و بدستور عمل کند.
۳- دستکاهای تبلیغاتی با بدیر ختلاف مصالح کشور و مخالف سیاست جمهوری اسلامی نباشند و آزادی آنان در حدود قوانین اسلامی با بدیراعات شود. (انقلاب اسلامی، ۲۰ اردیبهشت).

این درخواست ها که با وساطت سید احمد خمینی انجا گرفت، مورد تأیید آیت الله خمینی نیز واقع بقیه در صفحه ۱۵

کنفرانس کشورهای اسلامی: تلاش تازه آمریکا برای تحکیم موقعیت خویش
صفحه ۱۶

سازمان مجاهدین و جنبش کردستان
مقدمه:

بورژوازی لیبرال با به قدرت رسیدن خود برای تثبیت موقعیت طبقاتی اش دوسایست اساسی را تعقیب می نمود: اول، کوشش در جهت ترمیم و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، زیرا او میداند که حیات طبقاتی در خارج از این سیستم مکان پذیرنی با تودوم کوشش فعال در سرکوب انقلاب، زیرا او آگاه بود که مبارزه طبقاتی و ملی جاری در جامعه و توسعه ناگزیر آن که ریشه در عمق تضادهای حاد طبقاتی و بحران عمومی موجود دارد، عامل اصلی عدم ثبات بورژوازی و دولت طبقاتی است.

بقیه در صفحه ۲

کارگران مبارز کفش ملی، قاطعانه ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا گذاشتند
صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

سازمان مجاهدین ...

بنا بر این بورژوازی برای تحقق هدف خویش به موازات حرکت برای تحکیم نظام اقتصادی وابسته کنونی به حمله و تهاجم علیه جنبش‌ها و کانونهای داغ انقلاب و از جمله کردستان فهران می بردارد و در این جهت خرده بورژوازی مرفه را وارد نیال میکند. در چنین شرایطی کمونیستها و انقلابیون پیگیر وظیفه داشتند تا بصورت مستمر ما هیت هیئت حاکمه را برای طبقه کارگر و سربازان ارتقا یافته و توسعه و توسعه دهنده، آنان را آنگاه هی انقلابی بخشد و متشکلی سل سازند و با لاف مبررات آنان را علیه سیستم حاکم و امپریالیسم ارتقا داده و وسعت بخشند. کمونیستها و انقلابیون وظیفه داشتند تا برای به عقب راندن و نابود ساختن توهم سنگین شده با استواری تمام خبا نتهای پیشا رهیت حاکمه را برملا ساخته و طبقه کارگر و سربازان را با روحیه ای انقلابی و متزلزل تا پذیرش تربیت نموده و بسبب شما بندونیز از تمام حرکات اعتراضی، جنبشهای انقلابی و کانونهای انقلاب و بسیج کردستان، با شجاعت تمام موبدیرسبغ پشتیبانی و حمایت کنند.

نیروهای سیاسی انقلابی پیگیر علی‌رغم تمام مفاصی خود چنین کردند و چنین می کنند. اما جریانها و نیروهای سیاسی متزلزل بر اساس ما هیت طبقه ای بودند تا نتوانستند چنین خط مشی قاطعی را دنبال کنند. آنان بدون شناخت علمی از ما هیت فذخلقی هیئت حاکمه، اساسا با ابهامات و نوسانات بسیار رخسود دنیا له روسیاستهای هیئت حاکمه بوده، به سیاست ممانت جوپا نه با قدرت حاکم پرداخته و از تعارض سیاسی همه جانبه و پرورش انقلابی بوده ها علیه هیئت حاکمه پرهیز نموده اند. سازمان مجاهدین خلق از حمله نیروهای بوده که از ابتدای حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تا امروز در چنین خطی حرکت نموده است.

مواضع انحرافی سازمان مجاهدین در فسال جنبش کردستان و موضع تسلیم طلبانه و راست روانه آن در قبال سرکوب و حشاشنا خلق کرد توسط هیئت حاکمه نشانهای از یک خط مشی عمومی است. ما بسهم خود با رها نمنی و سیاستهای سازمان مجاهدین را در زمینه های مختلف و از جمله در مورد جنبش کردستان (۱) تجزیه و تحلیل کرده ایم و انحرافات راستروانه، متزلزلات و توهمات لیبرالی این نیروی انقلابی را مورد مپارزه ایدئولوژیک خود قرار داده ایم. ولسی رهبری سازمان مجاهدین برای اینکه انحرافات راستروانه و متزلزلاتش در نزدوده ها افشا نگردد، در پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما با سکوت اختیار نموده و فرصت طلبانه ارتقا رفا با گذشته و با بنحرف و حاشی دست زده است (۲) ولی از آنجا که هدف اساسی مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک ما افشا و طرفد انحرافات منحنی کردن مرز بندیهای سیاسی و طبقه ای و ارتقا آنگاه کی سیاسی بوده ها می باشد، در ادامه کسار خود با سربرداری آسیمتاسیت راستروانه مجاهدین و در قبال جنبش کردستان به تقدیکشیم، و بگوئیم که چه ارتباط لاینفکی بین این سیاست از یکطرف و سرکش و منی این سازمان در قبال قدرت سیاسی حاکم از طرف دیگر وجود دارد. و نیز چه رابطه ای بین موضع فعلی این سازمان با سیاست آن در زمان نهام اول به کردستان برقرار می باشد. ما نمیخواهیم بگوئیم که اگر امروز سازمان مجاهدین در قبال جنابات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان یک موضع انفعالی گرفته به افشاگری انقلابی و سی پروا دست زده و فقط

بعضی اوقات بدوزا زهرگونه تحلیل طبقه ای به ابراز تا فهای او ما نیستی و استفا نه در مقابل دولت بورژوازی پرداخته است، امری اتفاقی نیست و این سیاست انعکاس منحنی یک خط مشی متزلزل می باشد. سازمان مجاهدین خلق در در ان تقادات اصولی ما می پرسند:

"چه در رابطه با مسئله کردستان و چه در رابطه با سایر مسائل، مجاهدین تاکنون کدام اصل و پرنسپرها را منحنی بخشند؟ امپریالیستی را منحنی طلبانه یا "مملحت گرایانه" قریبانی کرده و یا بر سران حاضر به معامله نده اند؟" (هشتمین آری

مستقیم با طبقه حاکمه اردوا مرز آن نیروی طبقه ای که در این سیستم اعمال همونی می نماید بورژوازی لیبرال است و بعلاوه ما میدانیم که بورژوازی لیبرال نه قبل از قبا مضا امپریالیست بود و ما رزه ضد امپریالیستی و ضد سرما به داری وابسته به پیش میبرد و بسینس بعد از قبا مورسیدن به قدرت بورژوازی لیبرال پس از رسیدن به قدرت سیاسی در کنا ربخشی از بورژوازی کمپرادور در چا رجب همان نظام گذشته در جهت بازسازی سرما به داری وابسته اقدام نمود، اساسا مناسبات استعماری با امپریالیسم را دست نخورده نگاه داشت، اساسا قراردادها و پیمان

- اگر امروز سازمان مجاهدین در قبال جنابات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان یک موضع انفعالی گرفته به افشاگری انقلابی و سی پروا دست زده و فقط بعضی اوقات بدوزا زهرگونه تحلیل طبقه ای به ابراز تا فهای او ما نیستی و استفا نه در مقابل دولت بورژوازی پرداخته است، امری اتفاقی نیست و این سیاست انعکاس منحنی یک خط مشی متزلزل می باشد.
- امروز برای هیچ انقلابی پیگیری سیستمی که در آن بورژوازی لیبرال قرار گرفته قابل دفاع نباشد و هر دفاعی از این سیستم ضد انقلابی چه آگاه و چه نا آگاه، قریب دادن توده ها است. باید با صراحت تمام به طبقه کارگرتوده ها اعلام داشت که در میهن ما مبارزه علیه امپریالیسم بدون مبارزه علیه بورژوازی حاکم حرف پوچ و فریبکاری است.
- سازمان مجاهدین خلق برای توجیه مفاصت خود با بورژوازی، توده های نا آگاه را به استمدا می طلبد، ولی این سازمان آنچه را که نمی خواهد ببیند مقام و اهمیت جنبش انقلابی خلقهای میهن ما بطور منحنی جنبش انقلابی خلق کرد می باشد.

های امپریالیستی را حفظ نمود، به خواستهای اساسی سرمد زحمتکش ما جواب نگفت و نسا در نوان خود داشت جنبشها و مبارزات را مورد سرکوبش ارتجاعی خود قرار داده و کارگروهقان و دانشجو و خلقها را به گلوله بست و البته بورژوازی لیبرال جز این نیز نمی توانست عمل کند و سیستم حاکم نیز جز این راه را، راه دیگری نداشت.

همین جا ما فکندیم که خرده بورژوازی مرفسه همدوش با بورژوازی در جهت تحکیم سیستم حاکم حرکت می نماید. خرده بورژوازی مرفه در عین کمک رمانی به بورژوازی جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته بطور فعال در سرکوب انقلاب و از جمله پورش به جنبش خلق کرد شرکت نموده است و این نیرو عملشان داده است که با لفعل فا قدر حرکت ضد امپریالیستی میباشند اگر چه بین خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی فساد - هائی وجود دارد، ولی در حرکت اصلی خود جهت سرکوب جنبش با یکدیگر توافق لازم را دارا می باشند.

واقعیت این است که امروز رژیم کنونی دقیقا رژیم کمپرادوری و دلال منشا نیست، ولی این نیز واقعیتی است که رژیم حاکم صرفا قدر گونه طرفیت ضد امپریالیستی و دمکراتیک میباشند و خط مشی رژیم وابسته است. امروز در شرایط بحران عمومی جامعه امپریالیسم از طریق همین بورژوازی لیبرال است که میکوشد ما به گام موقعیت خویش را تثبیت نماید، امروز در شرایطی که بخشی از سرما به داران کمپرادور از بین رفته و بخش دیگر آنها در هیئت حاکمه در یک موضع دفاعی قرار گرفته است، اساسا همین بورژوازی لیبرال میباشند که زمینه را زگمشترش نمودند امپریالیستهاست و دلیل این امر خبا نتهای همه - جا نیه یکسال و نیمه اخیر می باشد.

امروز برای هیچ انقلابی پیگیری سیستمی که در آن بورژوازی لیبرال قرار گرفته با سل دفاع نمی باشد و هر دفاعی از این سیستم ضد انقلابی بقیه از صفحه ۱۲

بپرامون جبر روی و جبر نامشی

حقیقت کدام است؟ آیا سازمان مجاهدین مصالح و منافع جنبش رها نمنی بخش در اینجا جنبش کردستان را با برخوردی مملحت گرایانه قریبانی نموده است یا نه؟

ریشه انحراف در کجاست

برای توضیح دقیقتر موضوع راست و انحرافی مجاهدین در قبال جنبش کردستان لازم است تا نگاه کوبناهی به تحلیل مجاهدین از ما هیت هیئت حاکمه و دولت کنونی بیاندازیم. زیرا آن موضع راست رابطه منحنی با تحلیل فرمستی و لیبرالی این سازمان از قدرت سیاسی دارد (۳).

سازمان مجاهدین در توضیح خود در باره مسئله کردستان راجع به قدرت سیاسی حاکم می نویسد:

"مطلق کردن نمادنا سیستم حاکم و ناده گرفتن مطلق مرزهای وحدت با بورژوازی کوچک حسی جرابورتوسیم و انحراف سیت و سها ناسود امپریالیسم خواهد بود". "لیکن اگر تمسیرات سیاسی احاطه رانانده بگیریم و بخوا هم عا مدانا سیستم موجود سیرجان سرخوردگیم که کوبنا فقط جای عکسها عوض شده است، طبعیا بشنوا ه عظیم نموده ای مشروعت و حفا سیت (و لرو موضعی) سیستم را ناده، انگا تنه و به مواضعی انحرافی در خوا هم عظیم" (هما نجا)

نگته اصلی که در تحلیل مجاهدین به چشم میخورد اینست که سیستم رژیم حاکم مترقی، ملی و ضد امپریالیستی میباشند. این تحلیل از اساس نادرست است چرا که ما، دانیم سیستم سیاسی حاکم در یک کشور رابطه

(۱) - پیکار شماره ۲۶ - ۳۰ مهر ۵۸

(۲) - رجوع کنید به جزوه "هشدار به پرامون جبر - روی و جبر نامشی" از انتشارات سازمان مجاهدین.

(۳) - تحلیل انحرافی مجاهدین از قدرت سیاسی در نوشته "سازمان مجاهدین خلق در دام توهمات لیبرالی" مورد نقد سازمان ما قرار گرفته است.

جنبش کارگری



کارگران کوره پزخانه ها خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته هستند

کارگران کوره پزخانه ها از جمله دستوارترین کار - هاست. کارگران ۸ تا ۵۰ ساعته در سخت ترین شرایط مجبورند روزانه ۱۲ تا ۱۵ ساعت بطور مداوم عسوق بربند. آنها که عمدتاً از اهالی روسا های خراساند، معمولاً تنبی از سال رادر جین شرایطی در کوره ها بکار میبرند و زندانهای خارج سالانه آن تا مین شود. کودکانی که می بایست در مدارس تحصیل مشغول باشند، از دست فقر و ناداری ناچارند گوشه ای را از بازره بزندگی خا بواده خود را بدوش بکشند. دست - های نحیف کودکانی که می بایست پیش از هر چیز با نده و کتاب آشنا شود، روزانه بیش از ۱۲ ساعت با کتل و خاک سروکار دارند. حمل بمالهایی که گاه هم وزن جودسان است آنها را ار همان ابتدای سواد دردها و سوزنده در دکم میلا می سازد. ساعتی طولانی کار انرژئی ای در آنها باقی نمی گذارد مگر همان اندازه که خود را به آلویکیاتی که در چند قدمی محل کارشان واقع است، برسانند. کارگران کوره پزخانه ها از آنجا که دسترسی به سول - عدان انرژی را ندارند و بیکسفته خودسان قیمت

کارگران مبارز کفش ملی، قاطعانه ۴۰ ساعت

کار در هفته را بمورد اجرا گذاشتند

۴۰ ساعت کار در هفته از جمله خواسته های است که کارگران مبارز ایران سعداد زما مبرکوه بهیمن ماهموا ره بر آن پای فترده اند و در چند مورد سوز نوانسته اند آنرا به سرما به داران و دولت حامی آنها بقبولانند.

مثلا کارگران مبارز کفش ملی (ه) بعد از قسام پنخنده ها را تعطیل نموده و اعلام کردند که در هفته بیش از ۴۰ ساعت کار انجام نمی دهند. اما هیئت مدیره گروه برای جلوگیری از گسترش حرکت کارگران مبارز (ترکشیاتی که ۴۰ ساعت کار در هفته را پیاده کرده اند) در برابر کارخانه ها، همواره می گویند که این دستاورد را از کارگران بی بگیرند.

آنها اول اردیبهشت اعلام کردند که کارگران با یستی بجای ۴۰ ساعت کار در هفته ۴۵ ساعت کار انجام دهند و مستورا برای این عمل ضد کارگری زمان رفتن سرویس کارگران را یکساعت دیرتر از روزهای قبل اعلام کردند.

کارگران مبارز با قاطعیت تمام مثل هر روز دست از کار کشیده و پای پیاده، بجهه بیغل و خواروبار بدست برای رفتن به خانه، بطرف درخروی بسراه افتادند. هیئت مدیره ناگزیر و بسوا هر تسلیم خواسته کارگران شده و ساعت ۲ سرویس در اختیار آنها می - گذارد. اما پشت پرده همچنان به توطئه جینی ادامه میدهد. آنها بعدا اعلام می کنند که کارگران شرکت - ها ش که ساعت ۲ دست از کار می کشند باید کسره (بدون وقت ناها) را ساعت ۲ و ۱۵ دقیقه کار کنند. یعنی سه ربع بیشتر از روزهای قبل، که مورد قبول کارگران قرار نمی گیرد. و با اینکه به کارگران سفید در صفحه ۱۷

انسان مرفعی در محل از شهر همگراست، خیلی زودتر از آنچه تصور نمود، بیرون کشیده میشوند. امراض انگلی و عفونی بدلیل نبود امکانات بهداشتی و کار مداوم در محیط آلوده، همواره سلامتی آنها را تهدید میکند. و این در حالی است که کارگران از مزایای بیمه برخوردار نبوده و ناچارند خود مخارج دارو و دکتر را بدوش بکشند.

کوره های محمودآباد در شرق تهران از جمله این کوره پزخانه ها است. کارگران این کوره ها نیز عموماً از روسا های خراسان اند که با خانواده های خود، زن و کودک، بیرون جوان در یکجا کار میکنند. آنها چهار نما بنده در سدیگا دارند که هرچهار نفر استا دکارند و نه کارگر. بنهمن دلیل برخی از کارگران در رفتن - های خود به مکان سازش بین نما بندگان سدیگا. و کارفرما انا رهمی کنند، و اگر چه معتقدند که نما بندگان سدیگامی بایست از خود کارگران باشند، ولی بدلیل بی سواد و وپاشین بودن سطح آکا هسی بناچار نما بندگی آنها را پذیرفته اند.

کارگران کوره های محمودآباد در آخر بیست و اعتماسی که در دو هفته قبل بخا طرا فزایش دستمزد داشتند، بمدت سه روز دست از کار کشیدند. تا اینکه کارفرما پذیرفت که در مقابل هر هزار آجر بجای ۷۰ تومان مدتومان بپردازد. از آنجا که دستمزدها نه بر حسب روز کار، بلکه بصورت کارمزدی پرداخت میشود، لذا ساعت کار رسماً طولانی است و کارگران زحمت - کش کوره ها بخا طرا اینکه میاد در مقابل افزایش سریع قیمت ها خدافل قدرت خود را ادرست بدهند ناچارند هر چه بیشتر کار کنند. در حال حاضر پرداخت مزد بر حسب روز کار ۴۰ ساعت کار در هفته از مهمترین خواستهای کارگران کوره پزخانه ها است که میبایست دست در دست هم در شرایط با سایر کوره پزخانه ها، بخاطر حقوق این خواسته ای مقدماتی به مبارزات خود وسعت بخشند. ■

اعتصاب کارگران مبارز شرکت «ایران پروکتر»

زاهدان
کارگران شرکت «ایران پروکتر» از آنرا رسوخ ۵۹/۲/۱۵ در محل شرکت دست به اعتصاب زده اند. خواسته های کارگران مبارز «ایران پروکتر» عبارت است از:
۱ - پرداخت حقوق فروردین ماه کارگران
۲ - پرداخت حق مسکن، حق اولاد و ادان خواروبار
۳ - تهیه بچ برای کارگران
۴ - منحصر کردن سربست و مسئول برای شرکت. (منقل از نمردیلوخ شماره ۲۳، ارگان اتحاد زحمتگان بلوچستان)

بدانند، دشمن اصلی خود را با اصطلاح «کارگری» کمونیستهای انتلنی میکنند! و این همان چیزی است که امپریالیسم آمریکا می خواهد و طرحی است که توسط سرهنگ توکلی ها (که همان ابتدای حاکمیت دولت بزرگان پنهان به روی آب افتاد) اجرا نموده اند. بهشتی ها و... در اشکال گوناگون پیاده شده است. ■

«نیروی مقاومت» ابزار دیگری برای سرکوب کارگران

خا به ای که خودسان در آن کار میکنند، از دیگر وظایف این افرادی باند. به کارگزارانی که به ترتیب مذکور خود را در اختیار سپاه پاسداران قرار می دهند، ما هابه میلفی نتوان «پاداش» سرکوب همزحمتان پرداخت می - کرد!

اما هدف از آموزش «ایدئولوژیک» سربساز روشن است. سنتوی مغزی و تحریک احساسات مذهبی این نوع کارگران علیه کمونیست ها و حتی نیروهای مذهبی مترقی چیزی که بیش از یکسال است با آن آشنا می داریم. هدف از این نوع آموزشها این است، که بجای معیارهای طبقاتی، معیارهای فشری و دکماتیک مذهبی را در ذهن افراد مورد نظر خا ی دهند. در این آموزشها افراد، این ایده و فکر القا میشود که ما معما نه بر اساس طبقه سرما به دار و طبقه کارگر، بلکه بر اساس اسلام و کفر بنا شده است. این نوع کارگران بجای اینکه دشمن اصلی خود را امپریالیسم جهانی و نظام سرما به داری وابسته

اخبار رسیده حاکیست که سپاه پاسداران از کارخانه ها خواسته است که هر کدام چند نفر کارگر معتقد به جمهوری اسلامی ودا وطلب همکاری با سپاه پاسداران را معرفی نمایند. در این رابطه چندین کارگزار چند کارخانه سحاب شده و طی تنبی درمقر سپاه به آنان گفته اند که سپاه پاسداران تصمیم دارد با استعداد آنها، تشکیل تنام «نیروی مقاومت» بوجود آورد.

این عده در حالیکه در کارخانه مشغول کارند، روزهای بیخسبه و جمعه از طرف سپاه آموزش های نظامی (وسا) احتمال ربا دایدئولوژیک می بینند. یکی از وظایف افراد «نیروی مقاومت» اینست که هر وقت در کارخانه های منطقه محل کارشان اعتصاب، تحصن یا درگیری پیش آید و به آنها از طرف سپاه اطلاع داده شود، باید بلافاصله خود را به نزدیک ترین مقر سپاه و با کمینته ای که قبلاً تعیین شده برسانند و بعد از گرفتن اسلحه و لباس (برای سرکوب کارگران بیرون شنا شای و معرفی کارگران مبارز خدافل در کار -

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

برنامه عاجل ارتجاع، کشتار کمونیستها

سوطنه برای ارتجاع برای سرکوب و خنثی نه انقلابی (سوپر انقلابیون کمونیست) اکنون شکل آسکارسری خود گرفته است. در هر کوه و کسار ایران سوطنه های عملی این توطئه بچشم میخورد. یکی از سوطنه های ارتجاع، سوطنه بلوچستان است. اینجا در حکمکان بلوچستان "با استتار و علامه های دسته های رزم و ارتجاع محلی را در جهت سرکوب مصلحان و دانش آموزان انقلابی، بخلق زحمتکش بلوچ هدایت کرده است که ما اینجا قسمتها را از این انقلاب سرافرازی می کنیم :

هشدار

دشمنان سوطنه ها در میان خلق بلوچ اعمار مولو بهای حاش و باندا را از وجهای دیهای مزدور و حاکمان... دندان روی حکرا گذاشته و با هدف مصلحتهای انقلابی مصلحان و دانش آموزان در میان خلق بلوچ میباشند. آنها با سوء نیت فعالیت این فرزندان راستین خلق را که در جهت آگاه کردن خلق بلوچ و توده های زحمتکش بود می دیدند و بر خود می لرزیدند. دشمنان خلق می دیدند که هر روز غده سمیتری از توده های سوطنه آگاه و مسود و به ما هیت عدم می آنها و هیت حاکم می میبرند و از آنها روبرو می گردانند. دشمنان خلق می دیدند که مواج جنبش انقلابی هر روز در بلوچ قدرت بیشتری می گیرد و ارتجاع را روبرو می کند، آنها می فهمیدند که هر چه بوده ها سیر آگاه و سوند ریشه ارتجاع ست تر می بود. پس چرا سرسرد؟!

اکنون اینها فصدایند بلافاصله بعد از تعطیلات مدارس اقدام به دستگیری مصلحان و دانش آموزان انقلابی می نمایند. علاوه بر این آنها کم کم آواره آوار و سوزی در سطر دارند و عده های از مصلحان را اخراج کرده اند. راه سوطنه و عده دیگری را منتظر خدمت نمایند.

طبق اخبار رسیده، مولوی های مرتجع، جها دیها سازان، اسنادار، بعضی از مسئولین آموزش و پروری بعضی از فرمانداران شهرها در طلمات سعید و کویا کوی که در میهنها قتل داده اند، این فخرها کسده و سحوا هندی از تمام مختصات مدارس آرایا کسده، حالبا اینها ست که خود این مردوران ارسر ملا کردن این فتنه باکی هم ندارند. برای نمونه چند روز پیش مولوی "قمرالدین" اسواکی در ورو همکاران را از جها دیهای امروز در ارسر (طولی) یک دانش آموز را گرفته و به او می گوید: "سندها م که تو ما دانش آموزان کمونیست ارسر را داری، مواظب خود باش که تو هم گرفتار سوتی مولوی نمیرا لدی اما فیه میکند: "خیال کرده اند که ما همچنان ساکت می نسیم تا کمونیست ها چرا در لسان حواس، نکند؟ ما فقط منتظر هستیم تا دانش مصلحان سوتنه ها هم مصلحان و دانش آموزان را که سنا سانی شده اند و ایمان پیش ما ست دستگیر نشانم و بر اساس آن کف دشمنان بکداریم. مولوی نیرالدین ادامه میدهد: "الان نمی توانیم آنها را دستگیر کنیم چون دانش آموزان را طرف خود کسده اند و آنها نظرات مکتوب و لی بعد از تعطیلی مدارس اقدام می کنند."

فاشیستهای ترکیه، مهمانان بنی صدر

روزنامه های پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت خبر دادند که "ارباکان" دبیر حزب راستی و فاشیستی و شدیداً "اسلامی" سلامت ملی (رستگاری ملی) ترکیه، در روزهای آینده مهمان آقای بنی صدر خواهد بود. وی دیدارشان از ایران با آیت الله خمینی و قطب زاده و بهشتی ملاقات خواهد داشت. اگر این خبر را در کنار سخن بنی صدر در روزهای اول ریاست جمهوری بشنید بگذارید که گفت: "ما خواهان اتحاد با ترکیه هستیم" گرایش عمده سیاست خارجی ایران - که البته انعکاس سیاست داخلی آنست - روشنتر میشود.

"ارباکان" در راستای حزب فاشیستی "رستگاری ملی" که اساساً از سوی فئودالها و بورژوازی کمپرادور ترکیه حمایت میشود و یکی از عمال سرپرده امپریا - لیم آمریکا در ترکیه (و کلادار منطقه) است، چه نقطه مشترکی با رهبران ایران دارد؟ او یکی از سازمان دهندگان اقدامات تروریستی کور علیه نیروهای انقلابی و مترقی ترکیه است که هر ساله خون مدها تن از آنها را می ریزد. ارباکان و حزب او از دشمنان قسم خورده نیروهای انقلابی است که هرگز تسلیم مذهب - آنها هم به ارتجاعی ترین شکل آن - توده های نا آگاه را از مسیر ملی مبارزه شان که علیه فئودالها و سرما بداران وابسته و امپریالیستها با بدبختی منحرف کرده، لبه تیغ حمله شان را بسوی چپ و نیرو - های مترقی بر گردانند. حزب ارباکان در کنار دیگر احزاب فاشیستی ترکیه یعنی حزب عدالت (برهبری دمیرال) و جنبش ناسیونالیست (برهبری البارسلان ترکش) که یک حزب نشوفا شیب است راست ترین جناحهای حاکم در ترکیه را نمایندگی می کند و در مجلس ملی و حکومتها اشتقاقی ترکیه همواره نقش حاکمان امپریالیستها را ایفا کرده است.

فرار ارباکان به ایران می توانست برای تحقیق هدفهای زیر صورت گرفته باشد:

۱ - احیا و رونق بخشیدن به ایمان همکاری منطقه - ای A.C.O.D که در زمان راه در جها روج هدفهای ایمان سنتوس ایران، ترکیه و پاکستان بسته شده بود.

۲ - مذاکرات برای همکاری های بیشتر بین ایران و ترکیه در جها روج هدفهای مشترک "اسلامی" در میان رزها و جکیری جنبش انقلابی چپ و

خلق ستمدیده بلوچ! زحمتکان سیمانی! با افشای توطئه های ارتجاع از هر طریق ممکن، با اعتراض همه جا بنده سیاستهای سرکوب هیئت حاکمه علیه دانشجویان انقلابی، خلق قهرمان کرد و سایر توده های زحمتکش و آگاه با رسوا کردن ما هیئت پلیس مولوی های جیره خوار را واک، پاسداران جناحینا روجها دیهای مزدور و سارمترجمین خود - فروخته بیاری فرزندان دلار خود بر خیزید.

مصلحان و دانش آموزان آگاه و انقلابی! ضمن افشای توطئه های رنگارنگ ارتجاع و اعتراض به سیاستهای سرکوب هیئت حاکمه و ارتجاع محلی و رسوا کردن ما هیئت دشمنان خلق، با بدو ظایف زین را جهت حفظ و تحکیم و تقویت جنبش انقلابی در منطقه بخاطر داشته باشید:

۱ - با محکم کردن و حفظ ارتباطات بین خود،

از سر نوشت دوستان آگاه شوید و بعضی اینکه برای آنها مسئله ای پیش آمد، آنرا بطریق مختلف از جمله تحمّن، نظرات و... افشاء و خنثی کنید.

۲ - برای استحکام ارتباطات خود و توانایی اقدامات مبارزاتی مختلف متشکل شوید و تشکّل خود را تقویت کنید، ارتباط خود را با دیگر تشکّل های موجود و نیروهای انقلابی مستحکم کنید.

۳ - در رعایت مسائل امنیتی بکوشید و از فعالیت بی دروپیکرو غیر منضبط اجتناب کنید تا مورد شناسایی مرتجعین قرار نگیرید.

۴ - در صورت دستگیری یا... برخورد مقاومت - جویانه و وقایع شما و جلوگیری از شناسایی ارتجاع از دوستان و همفکران شما، به استحکام و ادامه همکاری مبارزاتی تشکلهای دانش آموزی و معلمی کمک بسزایی می نماید.

کلیان ۱۵ فروردین ۵۹) - این است ترکیه ای که آقای بنی صدر خواستار اتحاد با آن است.

کند. این بیمانه همکاری

کند. این بیمانه همکاری

کند. این بیمانه همکاری

سندج برای پیشمرگان رزمنده مطرح ساخت. این عقب نشینی صرفنظر از مومن نگاه داشتن مردم از سماران و تجدید قوا برای حفظ پستوها عظیم بوده. ای پیشمرگان! اجتناب تا پذیر می نمود. همزمان با این وقایع هیئت حاکمه نیز از پناهنشسته و از هرگونه تبلیغات دروغین و فریبکارانه در جهت سرکوب خلق کرد سپهر می جوید از تشبیه جنازه های تحریک آمیز تا بسیج توده های نا آگاه بر علیه خلق کرد، از شهیدنمایی تا اعمال "فاطمیت" و در واقع "فانلیت" از آنها مواجستگی زدن به خلق کرد تا سماران از خلق کرد استفا ده میکنند.

سیاست هیئت حاکمه

نسبت به نیروهای سیاسی در کردستان

سیاست رژیم از ابتدای شهاب جدید به کردستان همانطور که در شماره قبل پیکار و در بالا متذکر شدیم عبارت بوده است از جدا ساختن خلق کرد از پیشمرگه ها از طریق سماران و گلوله باران مناطق مسکونی مردم در شهرها و روستا ها. همانطور که گفتیم رژیم در این مورد هماهنگی با کتیک اسرا شیل در جنوب لبنان عمل میکند و مقصود از جدا کردن آنها به خاک و خون کشیدن مردم و خراب کردن خانه و کارگاه آنها به آنها است. تمام میشود! اما خلق کرد در همین ۴ - ۳ هفته نشان داد که همچون دریا که ماهی ها را در درون خود حفظ میکند، پیشمرگه ها را در خانه و کارگاه ها، بود در شهر و روستا جای میدهد و با تمام قوا از آنها حمایت می نماید. آری، حتی در دانش آموزدستانی میداند که بدون حمایت فعال مردم نمیتوان بیش از سه هفته در شهر و آنهم در مقابل توپ و خمپاره و راکت و... مقاومت کرد و در واقع این خلق کرد بوده که به دشمنان خود حالسی کرده است که برای رسیدن به آرزوهای خام خیالانه خود چه بهای گزافی باید بپردازد و در سراسر انجام نیز این بقیه در صفحه ۹

بدا نگونه که تفاهای عاجزانه بینی مدارا ز گروه های سیاسی مسلح در کردستان، برای ترک محاصره و گذاشتن سلاح بر زمین با سخنان مسئول سپاه پاسداران در کتیک ۱۷ اردیبهشت، یعنی سر عدم قبول آتش بس و انتقاد محوئی از خلق کرد در تظاهرات در میگرد، دامنه این اختلاف در ارگانهای سرکوب یعنی ارتش و پاسداران نیز مشهود است و موجب شکافی گشته است که رژیم را در کردستان در یک بن بست نسبی قرار داده است این شکاف از یک طرف ناظر بر اختلاف در تاکتیک و نحوه گشتا خلق کرد است و از طرف دیگر برنا رفاستی بخشی از پرسنل نظامی، از گشتا رخلق کرد و ادا مه جنگ استوار است نمودهای این نارفاستنها را ما می توانیم در مریخی اجباری سربازان پادگان سندج، قوا سربازان از پادگانها، بیوستن تدریجی نظامیان با مهمات و اسلحه به پیشمرگان بطور مشخص در سندج و در همین اواخر ضمن پرسنل مبارزان پادگان "خوی" جهت اعتراض به ادا مه جنگ در کردستان، جستجو کنیم. رژیم برای ترمیم این شکاف به تکتا پومی اقتدوسرا با س.آن روز ۵۹/۲/۲۱ "اوشیفت" از طرف بنی مدرما موری شود که در سندج "نیروهای مسلح" (ارتش و پاسداران) را از لحاظ عملیات و اجرای دقیق و فاع آنها هماهنگ کند.

اکنون تنها جو حسی نه رژیم به کردستان ابعاد تازه ای بخود گرفته است. اگر چه سندج در تصرف ارتش مزدور و پاسداران خدا تقلاب قرار گرفته است، اما برخلاف تبلیغات دروغین رژیم پیکار خونین خلق کرد همچنان ادا مه دارد. عقب نشینی کنونی پیشمرگان قهرمان در سندج بمانا به یک تاکتیک در عرصه نبرد با بد در نظر گرفته و بنا بدستوان نکستی برای خلق کرد تلقی گردد. چرا که پاسداران و ارتش ضد خلقی تصمیم به قتل عام وحشیانه ای گرفته بودند و بدین ترتیب ادامه مقاومت در شهر بسیار مشکل و بی قیمت جان بسیاری از مردم سندج تمام میشود. این مسئله ضرورت عاجل عقب نشینی را عمدتاً بنا بر حفظ جان مردم پیدفای

جرا بس نداری!

هدف رژیم از بمباران مردم بی دفاع

در کتیکها همچنان ادا مه داشت. پیشمرگان قهرمان با حملات موضعی خود، ارتش را در تنگنا شتی سخت قرار داده بودند. بر اثر تحمل ضربات بی دربی ارتش، رژیم در جهت تقویت آن، ستونهای نظامی جدیدی به کردستان اعزام داشت اما بیشتر این ستونها توسط پیشمرگان قهرمان با خلق شده و با از بین رفتند. سوازن قوا در این مواقع اگر چه بیست پیشمرگان خلق کرد سنگینی داشت اما در جا های دیگر، ارتش سر مردم سدفاع را بر سماران فانتومهای آمریکائی قرار داده بود این عمل دوهف عمده و اذنیال میکرد.

اول - فرسودن نیروهای پیشمرگه: این تاکتیک صرفنظر از کاهن کمی پیشمرگه ها در صحنه نبرد مواضع جدیدی را برای ارتش بدست می آورد چه حصول به مواضع جدید در محلات فقیرترین محرای نفوذ داخل شهر را برای ارتش تسهیل می نمود.

دوم - ایجاد بی اعتمادی مردم نسبت به پیشمرگه ها و خواستن ترک محاصره: رژیم با گلوله باران و سماران محلات فقیرترین (بارا کت) و گشتا مردم سدفاع در بی تضعیف پیشمرگه ها میخواست مردم را به ادا مه ببرد بدین ساخته و با ایجاد نوعی بی اعتمادی بین مردم از پیشمرگه ها، پیشمرگان را منفرد سازد و سواذ آنها را سهولت از عرصه پیکار خارج سازد. لکن نبرد قهرمانانه مردم بهما ره پیشمرگان رزمنده با سبروهای مدخلی، تاکنون رژیم را در تحقق این اهدافش موفق نشانخته است.

شکاف در ضد انقلاب

بدون تردید سقوط سندج مرحله پایانی پیکار انقلابی خلق کرد نمی باشد. چه پیشمرگان قهرمان با پستوها نده ای خود، همچنان به مبارزه مسلحانه خود ادا مه خواهد داد. به موازات نبرد پیشمرگان، سوده های زحمتکش کرد بطور مشخص در سندج انگسال مختلف مبارزه را سکارخو هند گرفت. این مبارزه که با رتوده ای و بنانسل انقلابی خاصی دارد بر یک زمینه همبستگی بین خلق کرد استوار است لذا می تواند اذنیال و متحدی سرخورد را بنا ندکه سیر روبه اعنالی جنبش شده ها در سراسر ایران و ارتقا یافتن سطح آگاهی آنها در جهت همبستگی با خلق کرد، مدت این ندا و مرا تعیین می کند.

سما بر این، رژیم در کردستان و بطور مشخص در سندج بسا انگسال مختلف مبارزه رو بسرو خواهد نمود و بسبب آن نخواهد توانست موقعیت تثبیت شده ای در آنجا برای خود کسب کند. مقاومت دلیرانه خلق کرد در مقابل تهاجم اولیه رژیم در سال گذشته صحت نظریه راه نشانی تا رسا نند. اما این، یک جانب نسبت مسائل مربوط به موقعیت رژیم در کردستان است. حسیه دیگر، معطلات جدیدی است که رژیم با آنها دست بگریسان است. چرا که علاوه بر مقاومت دلیرانه خلق کرد و مقاومت بر حمایت وسیع کمونیستها و توده های آگاه از خلق کرد، شکافهای درونی هیئت حاکمه نیز به ضعف موقعیت رژیم در کردستان دامن میزند.



اراده انقلابی خلق قهرمان کرد، ما شین سرکوب امیشن و پاسداران

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جامعه ما به کدام سو می رود؟ (۲)

وظایف نیروهای آگاه در برابر این اوضاع

در شما ره گذشته ضمن توضیح ناگزیری جنگ داخلی - به مفهومی که میان کردیم - زمینه ها و عوامل عمده ایجاد و تشدید کننده این "جنگ" را بر - شمردیم و نشان دادیم که تا کنون هیئت حاکمه در جهت دامن زدن به این جنگ داخلی بخاطر به نحسراف کثاندن مبارزه واقعی طبقاتی و ملی بوده ها ، بر چنین زمینه ای از شرایط عینی و ذهنی موجود استوار است . در این جا می گوئیم ضمن اشاره به نکات دیگری از این وضعیت و تا کنون هیئت حاکمه ، وظایفی را که از فصل وضع موجود بعد از کمونیستها فراموش می گردید ، بازگو می کنیم .

این روزها ، از حافل مختلف هیئت حاکمه و سردمداران آنان ، این نغمه بسیار رسکوش می رسد که برای مقابله با امپریالیسم و تجاوز آن ، برای مقابله با "تجاوزات عراق" و "عوامل مزدوران داخلی آن" با بد از "تفرقه" و "تشنج" جلوگیری نمود و "وحدت داخلی" را حفظ نمود . می شنویم که میگویند هرگونه "درگیری" در داخل و هرگونه اقدامی در جهت "تضعیف" حکومت جمهوری اسلامی "سودا امپریالیسم آمریکا" - "ساز می شود . . . و پس نهدید می کند که هر "کس" و "هر "نیروئی" که در چنین چیزی کام بردارد ، "مدا انقلاب" محسوب می شود که ما ندانید "سرکوب شود" ؛ و "مردم می - خواهند که برای مقابله با این "مدا انقلابیون" "سیخ" - "سد" در این خصوص ، بسی مدبریکترین و برجسته - رس مبلغ این "وحدت" و "سرکوب" می باشد . اگر بخوانیم مفا هم و واقعی نهفته در پس این

عبارت را با سز و کتسم ، و کردار واقعی ملتغیب آن را ملاک و معیار تقسیم این عبارت و مفا هم قرار دهیم ، بی هیچ ابهامی در خوا هم یافت که در پس این عوا مفریبی و ریا کاری ، سیاستی نهفته است که مکمل همان سیاستی است که هفتده پیش از آن نام بردیم . تا مین "وحدت داخلی" و "دموت به برهیزر از "تفرقه" و "تشنج" چیزی نیست جز اولاً : ایجاد یک - پارچگی و انتظام در هیئت حاکمه و قدرت سیاسی ، و ثانیاً و مهمتر از آن ، جلوگیری از شکل گیری و رشد و گسترش مبارزه طبقاتی ، مبارزه جدی و بیگیز حجت - کثان بر علیه مفا هرواقعی و اصلی ستم طبقاتی و ملی یعنی نظام سرمایه داری و استعوا و نظام سیاسی پاندار آن و در این مسیر ، آن چیزی که پیش از هر چیز هیئت حاکمه را ساری می دهد ، بلند کردن پرچم دروغین مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مبارزه با تجاوزات رژیم فاشیستی عراق است . پرچم دروغینی که نه تنها بخش وسیعی از توده های نا آگاه ، بلکه نیروهای دموکرات و جنبی بخش های از جنبش کمو - نیستی را نیز به توهوم و خوشاوری ساده لوحانه وا - داشته است !

همانطور که گفتیم بی مدربا روشهای سیاسی خاص خود بخصوص پرچم را از علی این سیاست عوام - فریبانه است .

اعمال این دو سیاست به موازات یکدیگر از جانب هیئت حاکمه ، یعنی از یکسودا من زدن به تفرقه های فزعی و کاذب در جامعه ، ایجاد تفرقه و در - گیری میان بخشهای مختلف جنبش توده ای و گسترش تشنج و جنگ داخلی بدین مفهوم و از سوی دیگر فراموش کردن مردم بدست کشیدن از مبارزه طبقاتی و انقلابی

مبارزه بر تفرقه های واقعی در جامعه و کوشش برای ایجاد امنیت سرمایه و به بیان آخر طبقه کسری از تشدید مبارزه طبقاتی ، جلوگیری از تشنج بدین مفهوم این هدف را نیز دنبال میکنند که دموکراتها - ی منزلی را که دستخوش سیاست و توهامات لیبرالی هستند ، و اتفاقاً از با به وسیله هم برخوردارند ، به سمت خود کشاند و متقابلاً انقلابیون کمونیست را که

خط مشی تاکتیکی درست به جانب راست و یا چپ ، دقیقاً و علیرغم تمایل و اراده ما ، جهت حرکت نخواهد را از راستی که مدنظر ما است دورتر می سازد و هر چه بیشتر سستی سوق می دهد که ارتجاع بر آن تمایل دارد و در این راه تلاش می نماید .

ظرافت این تاکتیک و سیاست ، دقیقاً از آنجاست که از یک سو بتوان میان دو مفهوم سیاسی تشنج ، بدان معنای که میان کردیم ، یعنی میان تشنج به مفهوم جنگ داخلی و برادرگشی از یکسو و مبارزه طبقاتی از سوی دیگر ، که اکنون این چنین در هم آمیخته شده

● کلید اصلی اتخاذ سیاست و تاکتیک صحیح و مناسب درک صحیح و همه جانبه از این اوضاع و آگاهی یافتن برجسته گسترش تضاد های اجتماعی است .

● دو مفهوم کاملاً "متفاوت" تشنج " غالباً " باید یکدیگر در هم آمیخته می شود . یکی به مفهومی که رژیم بکار می برد و از آن چیزی جز نفی و خاموش کردن مبارزه طبقاتی را در نظر ندارد و دیگری به آن مفهوم که نیروهای آگاه باید در نظر داشته باشند یعنی جلوگیری از گسترش جنگ داخلی و برادرگشی و رشد تضاد های کاذب و فزعی و رود روی توده ها در مقابل یکدیگر است .

● مبارزه طبقاتی در جوامع مختلف و یا در یک جامعه در شرایط مختلف ، هیچگاه مسیر واحد و یکسانی را نمی پیماید .

● دعوت توده ها به عقب نشینی در برابر ارتجاع ، تحت انگیزه جلوگیری از "تشنج" و جنگ داخلی و ارتجاع را ایجاد و تشدید "تشنج" و جنگ داخلی جری تری می نماید .

است و غالباً با یکدیگر مخلوط می گردد ، مزدقیق و روشنی برقرار کرد و این دو را از یکدیگر تفکیک نمود . مخلوط این دو موضوع و دوروند حرکت تضادهای جامعه است ، که غالباً انحراف به "چپ" و راست را در عرصه سیاست از جانب برخی نیروهای انقلابی باعث میشود ، و از سوی دیگر ، رابطه ناگزیر و اجتناب ناپذیری را که در شرایط کنونی جامعه ما میان این دو ایجاد شده است و به ناگزیر آنها را به یکدیگر پیوسته کرده است ، درک نمود ، و بتوان در - یافت که حرکت و عملکرد مجموعه شرایط و عناصر اجزای سیاسی ، ایجاد کرده است که مبارزه طبقاتی از مجرای سرور تشدید یک جنگ داخلی عبور نماید . مسیری که اگر چه مطلوب نیست و شرایط دردناکی را بر جریان مبارزه طبقاتی و ملی توده ها تحمیل می - نماید ، اما اجتناب ناپذیر و غیر قابل پرهیز است . درک این دو نکته سیاسی است که میسواد ما را در اتخاذ تاکتیک و سیاست صحیح رهنمون سازد .

مبارزه طبقاتی در جوامع مختلف ، و با درنگ جامعه در شرایط مختلف ، هیچگاه مسیر واحد و یکسانی را طی نمی کند . مجموعه شرایط عینی و ذهنی در یک جامعه و شرایط معین ، و عملکرد مجموعه ای از تضادها و عناصر اجتماعی و سیاسی ویژه گنجهای خاصی به روند حرکت اوضاع سیاسی و مبارزه طبقاتی در یک جامعه می بخشد . برای اتخاذ تاکتیک و سیاست درست با بد این ویژه گنجهای و تضادها و عناصر معین را دقیقاً شناخت . این ویژگیها در شرایط ما چنین حکم کرده است که مبارزه طبقاتی در جامعه و در این مقطع معین از مجرای یک جنگ داخلی عبور نماید . درک این نکته اساسی شرط اصلی حرکت آگاهانه در این اوضاع بحرانی جامعه است . اراده و تمایل ما فا در نیست

این روند را میسواد ما در کشف مبارزه طبقاتی را یکی تسخیر جهت دهد . اما می توان با یک حرکت آگاهانه ، فرارسیدن مبارزه طبقاتی را از درون جنگ داخلی تحمیل شده ، سرعت بخشید ، با سرعت و

در منی خود یکپارگی ثبات هستند ، به انزوا کشاندن سرکوب آنها با دست باز و فزاع بال بیشتر افساد نماید .

بدین ترتیب آنها به ما هرا نه ترین و فریبکار - نه ترین تکی سیاست خود را در پیوش اختلاف دو مفهوم و مسئله سیاسی به پیش می برند ، از یکسو به جنگ داخلی و برادرگشی دامن می زنند در حالیکه در تبلیغات وسیع و گسترده خود نیروهای انقلابی و مخصوصاً انقلابیون کمونیست را مسئول این جنگ و برادرگشی می دانند و از دیگر سو با استفاده از تمایل و سبزیاری توده ها از جنگ و برادرگشی و رشد تضادهای فزعی و کاذب ، و برساندن نیروهای دمو - کرات اما منزلی ، از این روند اجتناب ناپذیری که خود بدان دامن میزنند ، می گویند تا مبارزه طبقاتی را خاموش نمایند و با حد اکثر به انحراف بکشاند ، و نیروهای دموکرات را از رخنه مبارزه طبقاتی خارج نماید و به یلگانی برای تثبیت اوضاع مشتت درونی خود و قوام دادن به پای بهای قدرت خود تبدیل نمایند .

تسلیم طلبی و سازگاری دموکراتها می همچون سازمان مخادین ، که هدف اصلی این سیاست فریب کارانه هستند ، به بیشتر جنبی سیاسی ، عملاً باری می رسند ، و ارتجاع را در اعمال تاکتیک های خائسانه خود جری ترمی سازد .

روند اوضاع جامعه و سمت سوی آن ، پیش از هر زمان دیگری ظرافت و دقت در سیاست و تاکتیکهای نیروهای انقلابی و سبزه انقلابیون کمونیست را طلب می کند و نقش عمود ذهنی را برجسته مینماید . کلید اصلی اتخاذ این سیاست و تاکتیک مناسب و صحیح درک صحیح و همه جانبه این اوضاع و آگاهی یافتن برجسته گسترش تضادهای اجتماعی است . بدون این ارزیابی و درک صحیح ، هیچ بخشی از یک سیاست و تاکتیک صحیح و متناسب نمی توان میان آن آورد . چرا که هرگونه انحراف از یک سیاست

لطفاً با سالی ارجحیت را با حساب با سالی
کامیابی داد و ستد مبارزه را با کمبود برین صورت
خوبی در مسیر حرکت بر اساس خادای خادای خادای خادای
شود

هرگونه خط می‌سازد که آگاهانه بودا -
آگاهانه بودا محبت بوس جلوه‌گیری ارجحیت این جنگ
و ما بعد از حرکت با معدومتری که به معنی از
عملکرد ما دینا سوگنا بد می‌شود، بوده‌ها را از
دام رن و کسرتن مبارزه طبقاتی جویس با ردا ردا
ارایگیات مبارزه واقعی آنها بر علیه مظاهر سیاسی
سم طبقاتی و ملی با ردا ردا، یک شیاست تسلیم طلبانه
و راست روانه است... این سیاست به سبب بوده‌ها را
ارما رزه انقلابی، سعفت می‌کند بلکه برخلاف اراده
و سایل طراحان این سیاست، دست‌ارحاج را در
حاصل این جنگ داخلی شکل وسیع سرور همه جا بند -
برود روابط دست‌آنان را در سرکوت جنبش انقلابی
خلق و مبارزه طبقاتی و ملی بوده‌ها، بطریق مختلف
با زرمی نماید. دعوت به عقب‌نشینی بوده‌ها در
برابر ارجحیت با محاکمه جلوه‌گیری از تسخیر و
جنگ داخلی، ارجحیت را در ایجاد و دست‌سج و جنگ
داخلی جری برمی نماید و در توسعه حملات
سما به همسریک جوده‌ها و رده‌های انقلابی
بوده‌ها و مبارزه با دلایه و بخی آنها، بیشتر بر عصب
می‌نماید. و متغیلا هرگونه سیاست و تاکتیک که
سجوا جگه درگیری‌های ستر از موقع ایجاد نماید،
سجادها را باین ارموع و زمان مناسب به تعارض جا دو
سندسکاید، بدون توجه به سطح آگاهی بوده‌ها،
با بورژوازی بختی مختلف جنبش و ستات نیروها
و بی در نظر دانستن درجه دست‌آماده‌های اجتماعی، بر
اسفاد یک جنگ و درگیری رودین، با فراسد و
با لاجره هرگونه درگیری و سعارین را بدون توجه به
ساعت‌ات آن در دردمنا رزه‌آگاهی بوده‌ها از سکو
و جلوه‌گیری از رودروشی بوده‌ها، ارسوی دیگر خاسر
سجاد... سیاست و تاکتیک آنا رسیسی و
آوانورسی است.

بوده‌های نا آگاه مردم بر سر بوده و وسیع کرده بود و -
ری سنی در برابر بوده‌های آگاه مردم است و این
و این معنی می‌شود در عین تاکتیک و روس
مبارزاتی می‌شود. این سیاست و خط می
به رده‌های فرعی و گاندات اجتماعی و سیاسی
دام می‌زند و بوده‌ها را با یک درگیری ستر از موقع
با ارجحیت که بوده، وسیع ارمود ما آگاه و سوسزه
کرده بود و روزه سنی را در ستر جویس دارد، می -
کند. زمینه‌ها را دوسید و حواشی سنی از جانب
رژیم بر علیه نیروهای انقلابی و بوده‌های آگاه را
بسیر فراهم می‌سازد و ارجحیت را در سرکوت کانون -

جرمان دارد، ما نباید کتیک و سیاست خود را دست
مساحت سطح ما رزه و آگاهی در آن سخن تنظیم کرد،
۴ - مبارزه با دولوزیک با خط می راست و
"حت"، که هر یک سخوی به روی ما رزه طبقاتی و ملی
و تبدیل جنگ داخلی به جنگ طبقاتی و ملی، زبان
می‌رساند. که البته توجه به واقعیت کنونی
جنبش کمونیستی و انقلابی ستمیان انحراف اولی
یعنی انحراف راست، بسیار خطرناک تر و زیان -
مند است و لاجرم مبارزه با آن از اهمیت بیشتری
برخوردار است.

● وجه اشتراک در خط مشی راست و "چپ" یعنی خط مشی تصمیم طلبانه و آنارشیستی در ناپدید
گرفتن ماهیت متضاد این جنگ داخلی است.

● ریشه‌های اصلی تفرقه و پراکندگی در صفوف نیروهای انقلابی در شرایط کنونی بهین از آنکه در مشی
سکتاریستی آنها نهفته باشد، در فاصله کمابیش عمیق میان سیاست‌های جاری آنان در عرصه
مبارزه طبقاتی نهفته است.

● کشاندن سطح جنبش فعلی صنفی - اقتصادی طبقه کارگر، به سطح یک جنبش سیاسی توانمند
از طریق کار آگاه‌ها و سازماندهی لازم، زیر پرچم دموکراتیک پرولتاریائی، شرط اصلی به
انفراد کشاندن ارتجاع و تقویت کانونهای مبارزاتی مناطق تحت ستم ملی است.

های بی‌سرو و مبارز خلق که هنوز از حمایت سراسری
و وسیع بوده‌ای در مقابل سرکوت بر خوردار نیستند،
جری نرمی سازد.
این هر دو انحراف در سیاست و تاکتیک، از دو
مسیر مختلف یک راه می‌رسند و آن اینکه، جنگ
داخلی و ستر درگی تحمل نده، ارجحیت رژیم،
با ستر و ستریان برمی‌گردد و مبارزه طبقاتی با
در دو سخی سستری از درون این جنگ رشد کرده و
کسرتن خواهد یافت، اگر چه این واقعیت برخلاف
اراده و سایل حامیان این سیاست تاکتیکها باشد.
سرایان اما آن آنگه که بر عهده، نیروهای آگاه
و مخصوصاً انقلابیون کمونیست، در رابطه با حجم نداد
آنی جا معده‌ها را می‌گردانند و ستر ستر است:
۱ - سرکوت فعال در مبارزه‌ای که در جا معده -
کسرتن و کسرتن در جهت ستر دادن به این مبارزه
در جهت هدف گیری ارجحیت و ستر ستر، که این
خود مستلزم است که جنگ داخلی تحمل نده بر نوده -
ها را با سرکوت فعال در آن در برابر مبارزه طبقاتی
سایر انقلاب و ستر ستر، تبدیل شود، باید ستر
تلاش ستر، اگر ستر این جنگ داخلی ستر به رند
و حرکت سجادها را کاد و فرعی ای که از جانب رژیم
به معده‌ها ستر کسرتن جهت جنبش اعتراض آمیز
و انقلابی بوده‌ها، و ستر ستر کسرتن، بدان دامن
می‌زند، جلوه‌گیری بعمل آورد، و این کار ستر ستر
تسلیم و کسرتن از این جنگ داخلی و ستر و در
رودر امداد خودیجای بوده در برابر ارجحیت، بلکه
با سرکوت فعال ستر آگاه در این مبارزه امکان پذیر
و ممکن است.

کردند، این است که مرکز ثقل این مبارزه بدو -
لوزیک، در شرایطی که اوضاع جا معده بیش از پیش
سخت بحران انقلابی پیش می‌رود و مبارزه رزه -
روز بروز ستر ستر اوج می‌گیرد، هر چه بیشتر به مسئله
قدرت سیاسی و خط مشی سیاسی و تاکتیک مبارزاتی
در برابر جنبش خلق انتقال می‌یابد، ستر ستر دیگر
این مبارزه با دولوزیک ایجاد ستر و خط رور -
مره بخود می‌گرداند و از ستر ستر ستر ستر ستر
می‌شود، کرابیات انحرافی نیروها، در ستر ستر ستر
اکنون بطور روزمره در فعالیت‌های عملی و تاکتیک -
های سیاسی آنها متغی می‌گردد، و حول نیازهای
منحن مبارزه عملی بوده‌ها شکل می‌گیرد. مبارزه
با دولوزیک در جنبش زمینه، بطور عینی بوده‌ها را
به سخت و ستر این سیاست و این تاکتیک،
آگاه می‌سازد و آنان را با جانب خط می و سیاست
صحیح ستر می‌دهد. همچنین فقط ستر ستر این
مبارزه بدو، لوزیک است که می‌توان وحدت مفسوف
جنبش کمونیستی و ستر جنبش انقلابی را تعقیب
بخشد، بدون این مبارزه و در شرایطی که تفاوت و
اختلافات جا حتی میان این نیروها در عرصه فعالیت
سیاسی و خط مشی تاکتیک وجود دارد، جنبش وحدتی
امکان پذیر نبوده و ستر ستر ستر ستر ستر
مبارزه می‌گذرد. و اینکه می‌توانیم در شرایط کنونی
عصر ستر سترهای عینی وحدت، زمینه‌های ذهنی
آن ستر نا آمده است، تنها با ستر ستر این
آن گروه ستر ستر ستر ستر ستر ستر ستر ستر
مخت خواهد بود، ریشه‌های اصلی تفرقه در مفسوف
نیروها، در شرایط کنونی، فاصله کمابیش عمیق میان
سیاست‌های جاری آن‌ها در عرصه مبارزه طبقاتی است،
بدون تلاش در جهت برگردن این شکاف عمیق از طریق
افنا و ستر ستر ستر ستر ستر ستر ستر ستر ستر
منی صحیح وحدت‌گراشی خلعت مذهبی و ابده‌الیتی
بیدا خواهد نمود، ما از توضیح بیشتر در این ستر
مرفنظر می‌کنیم و ستر ستر ستر ستر ستر ستر ستر
موکول خواهیم کرد.

۳ - می‌دانیم که بدلیل رشدنا موزون جنبش

بغیه از صفحه ۶

۲۵ روز ۰۰۰

آرزوها را بدگوروا هندید!

درگنا رویدنبال این روش وساست جتاینگار - انه ، رژیم زهمان ابتدا قعدداشت که با سرکوب نسبی و اولیه خلق کرد موقعیت مناسی برای سازش با جناح سازنگار نیروهای سیاسی گردستان بدست آورد و با ایجادنگار در درون "هیئت نمایندگی خلق کرد" جناح انقلابی آنرا به همراه سایر نیروهای انقلابی فعال در گردستان به انفرادگشا نده و نهائین آنها را قلع و قمع نماید . در همین جالارم بدنگر میدانیم که در دوران چندین ماهه آتش بس در گردستان نیز رژیم همین سیاست را از طریق "هیئت ویژه دولت دنیسال میگرد . بدین معنی که این هیئت وظیفه داشت ، با جدا ساختن حزب دمکرات از قبیله نیروها "دیون هیئت نمایندگی خلق کرد" تا آن به سازش برسد و بدیم که چگونه هیئت خاکمه از جمله شخص بنی مدرهنکا میکه در این تلاش مذیوبه خود ، درست به این دلیل که خلق کرده برکت آگاهی خود او فتا گری نیروهای سیاسی با هرگونه سازش مخالف بود ، شکست خوردند راهی جز انکار موجودیت "هیئت نمایندگی خلق کرد" ندیدند!!

اکنون نیز رژیم همین هدف را بریستتر جنگ دنبال میکند . توجهی که از همان ابتدا بنی - مدربانها ، مختلف به طرح ۶ ماده ای حزب دمکرات نشان داده ، در همین رابطه قابل توضیح است . توجهی که امروز با انتخاب فروهر یعنی یکی از همان عناصر "هیئت ویژه دولت" برای مذاکره با حزب دمکرات بر اساس این طرح به موعومی نسبتاً جدی بدل شده است . در همین رابطه است که حزب توده وظیفه خاشانه خود را انجام می دهد . روزی نیست که این حزب ورنگسته و ضد خلقی به نیروهای انقلابی حمله نکند و "خط سازش" را بعنوان "خط خلق" معرفی ننماید . اما سرنوش خلق کرد را نه سازنگاران و نه خاشانه سرنوشت نمی توانند تعیین نمایند . سرنوشت خلق کرد بدست خودی و در اتحاد با نیروهای سیاسی انقلابی معین میشود . مفاومت دلاورانه خلق کرد ، ورز مندگی و آمادگی وی ، گیمه و سفرتی که از دشمنان خود دارد و بدستی حزب خاشان توده را نیز جزو دشمنان خود می - داند . دست ردی که بر سر سینه سازنگاران میزند . همه و همه نشان از خط سرخی است که خلق کرد قعددا رد آنها را سیمما بدویه گردستان خود مختار در چارچوب ایران مستقل و آزاد ببرد!

اما اینها همه شرط لازم پیروزی خلق کرد است . شرط کافی هوشیاری و وحدت عمل نیروهای انقلابی خلق کرد ، کوشش آنان در پیوند هر چه بیشتر با توده ها و مستحکم کردن گسترش آن و تلاش در راه هر چه بیشتر آگاه کردن خلق کرد بر منافع خویش و خطرناک شدن آن - با شد و وظیفه تمامی نیروهای راستین خلق کرد حمایت از خلق کرد و بیشتر که های قهرمان در دست همان چیز است که خلق کرد را در رسیدن به حقوق عادلانه - اش کمک خواهد نمود .

★ ★ ★

شرایط کنونی است . هرج و مرج ناشی از این جنگ داخلی میتواند توده ها را به اس و انفعال نگشاند و بسمت آلترا تئوهای سیاسی خطرناک تریکشانند و آنان را از مبارزه طبقاتی نیز دلسرد نماید . برای مقابله با این کرایش خطرناک ، با دخالت اساسی شرایط کنونی را برای توده ها در سطح وسیع تغییر نمود . و روندی را که با معارضه از سر می گذرانند آنها توضیح داد . و از این طریق سیاست های تفرقه - افکنانه و توطئه آمیز هیئت خاکمه را برای منته کردن جنبش خلق و رودر و روبرو رادادن بختیای مختلف آن افشاء نمود . و در همین حال به آنها توضیح داد که تنها راه مقابله با این وضع و جنم انداز ، تشدید مبارزه طبقاتی و به انفرادگشاندن ارتجاع است . همچنین با بدخطرات ناشی از این شرایط را که در آن امکان سپهر برداری نیروهای فوق ارتجاعی و مستقیم و وابسته به امپریالیسم از ممالک و کرایش توده ها به ایجاد یک نظم مطلوب . وجود دارد . و سفاک و سوز - نمود ما هیئت ارتجاعی این مخالف را در سطح وسیع مورد فتا گری قرار داد .

۵ - آمادگی سیاسی - سازمانی جهت مقابله با این اوضاع ، از وظایف مهم دیگر نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست است . ارتجاع ، در سایه بدستی جنگ داخلی میکوشد تا یک فضای ارباب و تروریستی بر علیه نیروهای انقلابی و سوزنده نیروهای کمونیست فراهم آورد . و با به انزوا کشاندن آنان ، یک سرورشی و سرکوبگری به درآوردن آنان ترتیب دهد . در چنین شرایطی از یکسویا بد توده ها را وسیع نسبت به این موج ارباب و تروریست علیه نیروهای انقلابی آگاه کرد و اندوازیوی دیگر ، صفوف این نیروها را از گردن حمله ارتجاعی و تروریستی ارتجاع ، بنا سازماندهی مناسب ، حفظ نمود . این سازماندهی باید بنوا ندبا طرفت خاص کار رسوده ای علنی را که در سایه تشنگت کنونی ارتجاع و رودر و روبرو عملی جنبش توده ها ، کاملاً امکان پذیر است ، با سازماندهی متناسب با شرایط سرکوب و نهائیم تروریستی هیئت خاکمه تخلیق نماید . در این شرایط که عرصه فعالیت علنی بر سازمانهای انقلابی و سوزنده انقلابیون کمونیست هر روز تشنگ ترمی کرده ، با تکیه بر سازمانهای توده ای علنی و تشنگ توده ها در درون این سازمانهای صنفی - سیاسی و دموکراتیک از اهمیت روزافزونی برخوردار میشود . اینجا دونقوت این سازمانهای توده ای ، بمنظور تشنگت سازمانهای انقلابی ، به این نیز و توان ، سازماندهی و بنوا نده توده ای می بخشد . ارتباط میان آنان و توده ها را به بهترین صورت برقرار می سازد . و بدین صورت است که میتوان شرایط خفقان و تروروا مکان جدائی از توده ها تحت این شرایط به بهترین وجهی مبارزه کرد و زمینه پیوند توده ها را هر چه بیشتر فراهم نمود .



توده ها در مناطقی و بخشهای مختلف کشور ، این جنبش هنوز از توان سرسری و همگون برخوردار نیست و عمدتاً در چندگان اولی متمرکز گردیده است . بی - آنکه نتواند نیروی بالفعل مادی بخش های وسیع دیگری را در پشت سر داشته باشد . این گانن های اصلی مبارزه انقلابی عمدتاً در مناطقی تحت تسلط ملی و مخصوص در گردستان و نیز جنبش دانشجویان انقلابی قرار دارد . و این وضعیت یعنی مبارزه طبقاتی یکی از زمینه های عینی تشدید جنگ داخلی و اعمال سیاست تشدید این تفرقه و جدائی از جانب هیئت خاکمه را تشکیل می دهد . برای خنثی کردن این تاکتیک و غلبه بر این ضعف جنبش انقلابی ، باید کوشش نمود که گانن های مبارزه و مفاومت را در بخشهای دیگری ، متناسب با سطح آگاهی و مبارزه آنان بوجود آورد . و بدین ترتیب از تمرکز نیروی آنها جو سرکوب رژیم در یک یا چند نقطه و گانن جلوگیری بعمل آورد . به عبارت دیگر با بدیست جبهه های استوار و جدید از برای گانن های عملا در کبریا مبارزه طبقاتی حاد بوجود آوردن و به تبدیل این جنگ داخلی به جنگ طبقاتی ملی . هر چه سریعتر عملی گردد . طبیعتاً ایجاد این گانن های جدید مفاومت و مبارزه به معنای تحمیل درگیری های زودرس و بنا بجا به این بخش و به مقابله گشاندن بین ازموقع میان ارتجاع و توده ها نمیشد . بلکه معنای سازگرددن جبهه مبارزه در هر سطح و درجه ای که جنبش توده ای در آن نقطه در حال جریان یافتن است . می باشد . حتی اگر این مبارزه در سطح نازل صنفی و رفاهی قرار داشته باشد . در این رابطه دامن زدن به مبارزه طبقاتی طبقه کارگر ، بخصوص در مناطقی فارس نشین که بخش اعظم طبقه کارگر را بخود اختصاص می دهد ، از اهمیت و امری برخوردار است . تکیه اصلی ارتجاع در شرایط کنونی بر ملت فارتس قرار دارد . و طبقه کارگر نیز از این فاعده مستثنی نیست . اما در همین حال ، به اعتبار شرایط سیاسی و اجتماعی موجود یعنی حدت بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه ، این طبقه و لیکن طبقه ای است که زمینه بالقوه مسا عدکنده شدن از ارتجاع و تبدیل شدن بیک جنبش سیاسی همه جانبه را دارا می باشد . جنبش طبقه کارگر ، همچون آتش در زیر کستر است . ناراضیانی در میان آن ، در زیر پوسته سکند و هر دم زک سونده سوم ، هر لحظه بیشتر کسترش می یابد و چشم انداز نفا رها و جبرش های قریب الوقوع را نوید می دهد . گشاندن سطح جنبش صنفی - اقتصادی طبقه کارگر ، به سطح یک جنبش سیاسی نوا نمندبا کار تبلیغی و ترویجی و سازمان - دهی فعال در بین آنها و در زیر پرچم دموکراتیک پیروان تاریخی شرط اصلی به انفرادگشاندن ارتجاع و نقیوت گانن های مبارزاتی مناطق تحت تسلط ملی است . توجه به این موضوع و کوشش در جهت به فعل درآوردن این نیروی بالقوه یکی از اساسی ترین وظایف نیروهای آگاه در شرایط کنونی است .

۴ - کار آگاه هکرا نه و فتا گری وسیع در میان توده ها ، با مضمون توضیح اجتناب ناپذیری جنگ داخلی ، جنگی که ارتجاع برای نجات موجودیت خود به آن دامن می زند ، از وظایف اساسی نیروها در

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نهمه ارضه ۱

انحلال طلبی ۰۰۰

انحلال طلبی بدواً کومیسسی می دانیم. واقعیت است که ما با اعلام موجودیت سازمان بنکار در راه آزادی طنجه کارگروما ما مریدندی تاکی ارمط هر اس انحلال طلبی واکومیسیم بوده است. بخاطر داریم جریسی را که در درون سخن مستعد و در آسانه اعلام موجودیت سازمان، آخمان دچار لیسیرالم و اکومیسیم و انحلال طلبی بود که در یوشن عوامفرسانه دمکراسی طلبی دمکراسی بدون مرکزیت را در خواست می نمود با لاجره همسار همسار موضع اکومیسسی و انحلال طلبی را در حدی در یوشن گرفت و بیان داد که طرفیت اندولوزیک - سیاسی لازم را برای برخورد اصولی با اختلافات ندارد. امروز همسار حیران در عین حال که به طور سطحی به "لسرالم" خود اعتراف می کند ولی عبور در بند همان نظر است (۲). مهمتر از اس همسانی و همخوانی بسیاری دیگر از گروهها و محافل حفظ است تا اینکه به نظر ادراکال دمکراسی که ما به ما را وجود ددکا ها انحلال طلبی است و لسرالمی در خط ۳ می ناند.

کنفرانس وحدت نمونه را براس حقیقت بود. در کنفرانس وحدت ما با دودکا در راه وحدت خسر کومیسسی مواجه بودیم. دیدگاهی که ما **شیار اختلاف** و همکاران - مبارزه اندولوزیک جو در انحلال گروهها و وحدت الصغاح قرار گرفتن **نماییت مستقل** بیان نسبت به کنفرانس و اختلاف بود. دیدگاه اولی ای که ما رسیدن به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تکنیکالیتی بر ثغاییت مستقل گروهها تکیه نمود و خط وحدت جوشن کومیسستی را بنظر **سیاسی از طریقیت** بره **ایدئولوژیک** بر یوشن بر سک بره **فنیایی** و یوشن طغه و بوده است. محدودیت همسار همسار وحدت گروهها را با هم ممکن و ضروری ندانست. به همو بره خط دوم بکنده بود و بر آن پی برنده بود همو بره کنفرانس اول را بعنوان کنفرانس کومیسسی و انحلال طلبی دانست و سر غلبه آن را باره میگرداند اما در روح دیگری حول اس انحلال ددکل آن و اسکده کوه به نظرات مخالف طرح ما با سازمانها و مامع حسن کومیسسی، بلکه از منافع گروهی حرکت نمیکردند بحث جوا هم کرد.

مورد "دانشجویان مبارز" سر یکی دمکراسی از حلوه های سازمان دودکا بود. در اینجا انحلال طلبی و ایفیندمکراسی سر یکی بی خطی، لاندی و سکیلات - بدنی حلوه اندامیکرد. بر دانشجویان بر "کنفرانس" زنده یوسفگری را در یوشن همسار دندسرو جوشن - ورگ وحدت - سر و جوش می نمود و در

۱ - هرچند در اس سوسه بحث از اختلاف می کنیم، منظور آن نوع همگاری ای است که سروهای مختلف براس سلفهم و براسا مدیسرگی فعال است و سلف - مسرگی را براس سیرند. کوا اسکده در مورد سخنان "راشه صرف یک نسبت مسرگ کا بدنها و حتی حیات متغیائل را میسوان سوسی اختلاف نامند ولی منظور ما از اختلاف، معنای فوق است به سیرندمکراسی. ۲ - ما در یوشن سرو جوشی اس واقعیت را بیان جو خند داد.

اسخا سرما در مقابل تمام گروههای حیران ۳ قرار دادیم. و حال است که امروز سرخی از همان گروهها بدون برخورد به نظرات انحرافی گذشته خویش در عمل نرهای گذشته را بر مسکرسند! و ما نمی توانیم اس - کوه سرخورد ها را برخورد با یوشن سوسی نامیم. ما اس مقدمه وارد بحث اساسی خود که عبارات از توضیح سیاست انشلالی ما در معرفی کا بدنها می مشترک در حیران انسخانات مجلس شورای ملی می - ناند، می کردیم :

خلق سریر آن سواقی نماند. سازمان جریکهای فدائی خلق وحدت سیاسی - اندولوزیک راه سنها برای اختلاف و همکاری، بلکه برای حمایت ساده از سگ حیران م. ل هم مطلق میگرد. ما با درسی اس دسد انحرافی را در میمهمه سیکار ۴۷ بیان دادیم. اما خود ما با بر معیار اول، اختلاف کلیه سبروها و حیران سها شی را که خروجی کومیسسی مبدانیم ضروری منمردیم طبعی است با در نظر گرفتن حسن معیار، سروسکیست ها، سروسوسیست ها (سوع حزب سوده ای و

- بروز اختلاف در جریان انتخابات مجلس شورای ملی و در رابطه با عامل نیرو که مطرح می کردیم ناشی از اختلاف دیدگاه اصولی ما با دیدگاه اکتونومیستی و انحلال طلبی بود که قبلاً نیز چه در رابطه با "وحدت" و چه در رابطه با تز انحرافی "دانشجویان مبارز" با آن آشنائی داریم.
- در برخورد به مسئله نیرو ما با دو گرایش انحرافی از دو سو مواجه می شدیم یکی انحصارگرایسی و نفی گرائی اپورتونیستی و دیگری انحلال طلبی و تساوی طلبی اپورتونیستی، گرایش اول در یوشن فاکتور نیرو، واقعیت وجود نیروها را بطور ذهنی و مکانیکی در صحنه مبارزه طبقاتی انکار می کند، و گرایش دوم با بهم ریختن مرزها و ضوابط و با شعار "وحدت" طلبی و دوری از سکنار یوشم واقعیت عینی نیروها و نقض و حضور هر یک را در مبارزه طبقاتی انکار می کند.
- سازمان جریکهای فدائی خلق وحدت سیاسی ایدئولوژیک را نه تنها برای اختلاف و همکاری، بلکه برای حمایت ساده از یک جریان م - ل هم مطلق می کرد.

سجیسی آن ایدیکرا یوشن سها سمنوا سسند مورد نظر ما ناند. برنا مدولوا سرفم اس اختلاف میسوان است براس اس برنا مد حدافل برولنا را در اختلاف دمکراسیک و سد امیرا لسسی تنظیم کردد. کوا اسکده در اس برنا سه بطور کلی اختلافی به حیدان کم اهمیت بین سبرو - های حرکت کسندده وجود دارد. ولی از آنجا که اسس اختلاف یک حرکت دراز مدت سمنوا است با سدو سلاوه براس اس برنا سه کلی ایکنه سمنس سمنس. سبروها می - سوان سسند در صورت انتخاب کا بدنها موضع اسفادی جوشن را در صورتی که بدنها از برنا سها سلافی عدول کند حفظ نماند، اشکالی تمسوان است بوجود آند. معیار دوم عامل نیرو، وضعیت حضور آن در صحنه مبارزه طبقاتی بود. اسکده جری سها شی سیاسی سوزده بسیار از گروههای حیران ۳ فاکتور نیرو را قبول نداشتند و براس عنوان یک معیار روماکتور در اختلاف، اسما را دمیکردند. سهمس دلیل ما لازم دیدیم در اسها با اس مسئله عبور با رسی سیرا بریم.

بطور کلی ستوال اس است که: "در سگ اختلاف ما برنا مدو سناست منحس که میخواهد با فعال نسبت عملی مسرگ سده یوشن رود آن با بدنها کنور سبرو و وضعیت گروه در مبارزه طبقاتی را میسوان یک ما بظه در نظر گرفت سانه: "رفقای رزمندگان و... سها سشوال ناحج سعی داده و حسن مطرح سیکردند که فاکتور نیرو جوشی در رابطه با اختلاف نادر و سنا سده هم دا ندنا سدو سبروهای مختلف سرفطر از اسکده در چه موقعیت گروهی سسند و هر یک چه رزاسی ای از دیگران دارند، اگر اریطر اندولوزیک سیاسی بر نامه

حیران اسسخانات اخیر مسئله اختلاف بحثهای ریادی را در حین کومیسسی اسیران براسکتف. سبروها و جری سها شی مختلف، حرکت در اس مسورد سیاسی بین گرفتند که نتایج سعی آن، سرکست مسفل آسها را در پی داشت. ما پس از اس سیاست اسسخانی سازمان جریکهای فدائی خلق را ندیدند کسندده موماع انحرافی آن سازمان را در اس عرصه مبارزه طبقاتی مورد سرسی قرار داده اس (مضمیمه ۱ ۲ و سکار شماره ۲۷). در سوسه حاضر اس موضوع سیرا دریم که جوادیکر سبروهای م. ل و سسوس ص گروههای موسوم به حیران ۳ سوا سسند یک اختلاف و حدافل نسبت مسرگی از کا بدنها را ناندند. سرفطر از سورد اسر سعی مسئله اسسخانات، از آنجا که بطور کلی اختلاف و سنا سها شی اختلافی اکنون و سوزده در آند سدی از مسائل مهم عملی سسش کومیسسی ما را سسکل مندند. لازم دیدیم اس مسئله و بطور کلی تا سوسندی اختلاف را از خلال برخورد به اسفادات و نظراتی که نسبت به سیاست اصولی ما در اسسخانات مجلس شورای ملی مطرح سده سبروسسی سموده و حسن بحث سرامون سوا سب و اصول سسگ اختلاف بد آن نظرات سبرو جورد سنا سیم. در اسس راهطه بدنا سناست خود ما را مورد سرسی سرار مدهم، سسجکویکی سحق عملی اس سیاست و سس سرفواع و حیران سعی را که نجراد رخواستها و سیاست ما در عرصه مبارزه طبقاتی سس آمد مسورد اریایی سرار مندیم.

۱ - سیاست ائتلافی ما

بطور کلی ما برای ائتلاف اسسخانی سمنوان یک حرکت منحس سیاسی و مبارزاتی برای سبروهای سرتک کسندده دوم معیار در نظر گرفتیم: معیار اول: سیاست و ایدئولوژی. معیار دوم: عامل نیرو و وضعیت گروه در صحنه مبارزه طبقاتی. معیار اول جزئی نبود که سس سبروهای م. ل سسرا سازمان جریکهای فدائی

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

مشترک، قبل از هر چیز برای بنسردن مبارزه عملی است و با همبستگی سیاسی - ایدئولوژیک و با حمایت از این با آن نیرو در این با آن جنبه مبارزه طبقاتی اختلاف اساسی دارد. اختلاف برپا به وجود نیروهایی که در صحنه مبارزه طبقاتی حضور فعالی دارند، وجود آمده و هدف مشخصی را دنبال میکند. با این معنی که ابتدا گروهی فعالی هستند که در حرف بلکه عملاً نشان داده اند؛ بدین صورت انگار با بدستی در جنبش حضور داشته، پیگیرانه مبارزه می نمایند و با رقابت ملاحظاتی از وظایف جنبش را بدون میکشند و سپس در مقاطع معینی برای بالارادن کیفیت و ارتقاء امر سازماندهی در مبارزه با سکوئی به سازمان های حرکت انقلاب، اختلاف برانسان و برای جنبش مطرح میشود از همین روند نظماً براساس بوده و هست که مکتب نیز همگامی و استخوان بندی اختلاف هرگز نمی تواند بی توجه به فاکتور نیرو و اینکه این با آن حریسان چه وضعیت معینی داشته و چه نقشی عملاً در صحنه مبارزه طبقاتی ایفا میکند در نظر گرفته شود. ما اختلاف نمی کنیم که نمایش اختلاف بدیهیم، ما اختلاف نمی کنیم که نشان دهیم اختلاف چیز خوب است و تفرقه مذموم است. اختلاف نمی کنیم که مذهب کوبه برای وحدت تبلیغ نماید و با آنرا بعنوان براساس در جهت رسیدن به وحدت آرا نه دهیم، بلکه ما اختلاف می کنیم تا برای پیگیری در مبارزه با خود بازر عملی موثر و کیفیت جدیدی بوجود آوریم و برنامهای عملی را پیش ببریم.

● **به اعتقاد ما اختلاف جلوه کوچکی از یک همکاری جبهه‌هاست، لذا همان قانونمند ای که در یک فعالیت جبهه‌ها وجود دارد در یک حرکت اختلافی نیز به مقیاس کوچکتر موجود است.**

می آورد. هرگونه تکراری غیر از این با هر جنبی که ما ندانیم جز آن را تکراری و بی برسی در تکیلات و نتیجه‌ای حزمند نمودن قانونمندی اختلاف و هدفها و نتایجی که از حرکت اختلافی مورد نظر است نمی تواند برآورد. با اختلاف که یک حرکت منحصر سازمانی و سیاسی است نمیتوان سرخوردی ایده‌آلیستی داشت و قانونمندی و اصول اختلاف هم

ولی ردیفی کرائی و اصول سرخوردن مکتوب است که جنس حریسانهای بی‌سویجی سوا بدیوسی برای بی‌سویجی و بی‌سویجی از اصول سازمانی جنبه و با اختلاف سازماندهی و محلی برای رد کردن تاکتیک نیرو و موضع آن در صحنه مبارزه طبقاتی گردد.

مثال دیگر ما بعنوان در مورد شورای یک کار - خانه و یا موسسه در نظر گرفتیم. اگر شورای یک کار خانه

- **اختلاف نمیتواند بی‌در و دروازه، بی‌ضابطه و صرفاً بر اساس یک سری معیارهای ایدئولوژیک سیاسی در نظر گرفته شود. اختلاف با برنامه و فعالیت‌های مشترک، قبل از هر چیز برای پیشبرد مبارزه عملی است و با همبستگی سیاسی ایدئولوژیک و با حمایت از این با آن نیرو در این با آن جنبه مبارزه طبقاتی اختلاف اساسی دارد.**
- **ما اختلاف نمیکنیم که نشان دهیم اختلاف چیز خوب است و تفرقه مذموم است. اختلاف نمیکنیم که مذهب کوبه برای وحدت تبلیغ نماید و با آنرا بعنوان برنامه‌ای در جهت رسیدن به وحدت آرا نه دهیم، بلکه ما اختلاف می‌کنیم تا برای پیشبرد برنامه و سیاست خود ابزار عملی موثر و کیفیت جدیدی بوجود آوریم و برنامهای عملی را پیش ببریم.**
- **به اعتقاد ما اختلاف جلوه کوچکی از یک همکاری جبهه‌هاست، لذا همان قانونمند ای که در یک فعالیت جبهه‌ها وجود دارد در یک حرکت اختلافی نیز به مقیاس کوچکتر موجود است.**

تعارف بردار نیست. صرف نظر از برنامهدو بلانسمر سیاسی - ایدئولوژیک هر اختلافی که در اینجا مورد بحث ما نیست تعیین ضوابط و شرایط نیروها و اینکه آیا این نیروها حضوری حدی در جنبش داشته‌اند و می‌توانند شرایط مشخصی و مادی ای سر حرکت اختلافی بگذارند یا نه، ضرورتی چون چراغی است که هرگز آنرا نباید از کربنوشمی خواهد، حداقل میتوان گفت که از سرخوردی مسئولانه و مسئولیتی بر اصول عاجز است. به اعتقاد ما اختلاف جلوه کوچکی از یک همکاری جبهه‌ها است، لذا همان قانونمندی ای که در یک فعالیت جبهه‌ها وجود دارد در یک حرکت اختلافی نیز به مقیاس کوچکتر موجود است. این مسئله را میتوان با ذکر دو مثال روشنتر توضیح داد: مثال اول: توحده به نمونه‌ای است که همگامی در گردنمان وجود دارد در گردنمان ۴ نیروی حاضر در اینجا، هیئت نمایندگان خلق کرد را تشکیل داده اند. در کنار این هیئت نیروهای دیگر (احتمالاً خود ما) بودند که از نظر قدرت و حضور در اینجا به حدی نرسیده بودند که بعنوان یک پای اصلی مثلا در رهبری مرکزی هیئت نمایندگان خلق کرد شرکت داشته باشند (۳) آیا بعنوان گفت که چون این نیروها هم، بر سر نظر از برنامهدو و در اینجا فعالیت می‌کنند، پس حتماً باید در هیئت نمایندگان خلق کرد بعنوان یک پای اصلی شرکت داشته باشند؟! حیرت‌انگیز اصول و قانون سکولاریستی ای اجازه‌ای بی‌مطقی در تکیلات را نمیدهد. همان‌طور که نمی‌توانیم ما صرفاً کورسرو در رابطه با موضعیت یک حریان در اختلاف بعنوان **باید اصلی** آن مطرح است و بر سر حرکت هر حریان در اختلاف که ما مواضع سیاسی - ایدئولوژیک اختلاف حریان داشته باشد، بطوریکه مول و مواضع آنرا حسد را نکشد ضرورتی است که هر چه در مبارزه با آن حریسان اختلافی آنرا احباب نمیکند. طبیعتی است که در جنبش تراپی این حریانها **باید بعنوان** باید اصلی اختلاف بلکه ما جایگاه هوشی فرعی (که مکتوب و چگونگی آنرا در هر مورد مشخص با تعیین نمودن شرکت داده میشود

و یا موسسه‌ها بر سر در نظر بگیریم که ستروهای محلی در آن در شرایط دیگران یکی فعالیت می‌نمایند. ترکیب این نیروها بر اساس انتخاب بوده‌ای، بدون چون و چرا مساوات خواهد بود اما میزان حضور و نفوذ هر نیرو در آن کارخانه، موسسه، مجله و سایر موارد مورد بحث را حریانها نمی‌خواهند بود که ممکن است حریانها در برابر سرافرازند. در حالیکه حریانها و سایر حریانها نمی‌خواهند بود که حریانها امکان فرسودن یک نماینده را بر دست نمی‌آورند. چرا که موضعیت معینی آنان نفوذ و حضورشان هنوز محدود معینی نرسیده است که بتوانند حتی یک نماینده درون شورافرزند. آیا این یک امر عینی است؟ آیا این حریانها می‌توانند کورسرو چون بهر حال ما وجود خارجی داریم یا نه در شورافهم نماینده‌ها است اسم؟ البته این شورافرا و اختلاف بنا بر وجود هیئت اختلاف آریا لا شورافرا نشانی و صورت اشعاعی تشکیل می‌شود. اما اگر قرار است اختلاف موفق و مکتوب بشود بگردیم ما حریانها و موضعیت معینی آنها نسبت به هم دیگران بدین معنی نباید مسائل مذکور حریانها و بقا و سی دادند. و این که روسی کردن و سیان دادن میزان سرخوردن در صحنه مبارزه طبقاتی هم‌چون نیست که: حتماً سه سه میکورسکوب دادند ما بدو هیچ معیار روسیانی نبود برای آن تعیین نمود.

ما سرسب با اصول و ترتیب اختلاف و سوغ فعالیت جبهه‌ای نمیتواند بی‌سویجی باشد - گریانهای در سوسن اسکند اول ایدئولوژی و سیاست را با بد نظر گرفتیم. آرا بر سر گذاشتیم. حریانها بی‌سویجی است خواهد شد که در حریانها عمل با هم با تن و در تکراری مواجوسم که عملاً در سرسب کار اختلاف بوجود آورده به سبها به هدی که مورد نظر حرکت اختلافی است نمی‌رسم، بلکه را در همان کار حسی ممکن است از مجموع کار یک یک سروزها سرسب با این سرسبند.

به ما می‌گویند ما وضعی برخی گروهها را حریان ۳ را اختلاف حذف می‌کنند و در عوض اختلاف ما فداشان خلق را مجازند ما عملاً فاکتور سرسرو را عمد و سرسب نموده، ایدئولوژی و سیاست را فراموش کرده‌اند. ما می‌گوئیم مواضع و موضعیت سرسب اشعاعی و در مواردی عواقرسبها است.

(۳) - طبیعتاً وقتی از چهار نیرو میتوان با به‌های اصلی هیئت نمایندگان خلق کرد ما بر سر خود و از نظر ما بر سرست نشا خنه میشود، به این معنی نیست که هر کجا از نیروها از حضور و با یکی می‌روید در گردنمان سرخورد را باید. بطور مثال حضور ما به سازمان چریکی یا فداشی خلق یا سرسرو اصلی آنرا قابل قضا نیست و با آن دارای اختلاف کیفی است.

شماره صفحه ۲

سازمان محاهدین

محاكمه شهرام و سعادتني، آغاز نوظفئه ديكرى عليه كمونيست ها و مجاهدين

دست من زد،
آري، رزميما دسربراي محاهدنديريد وانفن
اك جناح مي رخت، جاواده اس را سس
تلوسيون مي آورد ما با خبا سسر قسار دادن
عواطف سودها آسان را غلغله نيلاسيون خرسك
سما بدوا ميروز رزم جيبوري اسلامي سرهمس كار را
مي كند. جاواده سرف و اعني را سب تلوسيون
مي آورد، سدا دكا هني اي زمان سا در اسان مدهند،
با اس هفت كده سودها را غلغله كمونيستها و غلغله
مجاهدين حلق خرسك و سنج سما بد، آري همه كسان
كده حبه هاي نوي را ملاحظه كرده اند، دنده اند كنده
سب سلسلا با سبنا و سلسلا با سبنا سوغ آريا ميري هج
ميري وجود سدا! و آري لعا ط سانه سبنا
آنايان مدني را سني و "نوي سريك كفت!
وسرا با سبنا سوغ آريا ميري سبراي
آن صورت كرسب اومي كرسد اكه محاهدني سبرام
آخا كده رجا خ مي خواهد خرسك و سبال و غلغله
كرد.

اما موضع ما در مقابل اس مخا كده ره سمان
اسدا روس و منحن سوده است، ما ضمن مرزبندي سا
انحرافات مربوطه اعلام سده است اكه صفا و سباراره
سائلي كده در درون سبرو هاي انقلابي اسان مي -
اندر سبنا در ملاحظه ضمن سبرو هاست. اس اطلعي
اس كده مورد سبال سما انقلابيون و سبار اس آكانه
مي سا سدا در اس مورد سبنا ضمن اجل با سبنا سبنا
حسنت موجود مي ساسم، و سبنا لعا ط ارسما
سبرو هاي انقلابي و سبرني مي خواهيم كده غلغله اس
مخا كده و هفتي شي كده رجا خ آزان سبال س كند،
موضع سكرسب!

ما همچنين ارسما مي محافل سبرني خواه خفوني
و وكلا و خنود سبال و قطاب سبار سبري خواه هم كنده
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

وسرا سبنا ما ارسا سواده: بخا خده سبنا سبنا
وانفن سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
مورد موصفي سبرني سكرسب، ما آران سماوا هم،
ايديكي سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
خوا خده كده كده سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
خواهي مخا كده هدا سبنا كده سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
وكا ده هبا و صدها خوا دا رجا محاهدني حلق را سبنا سبنا
كنگ و حوب و جسا و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
آزا روا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
درمي آورد و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

مقامات آداساي اعلام كده سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
خوا خده سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
اعلام مي كده سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
كرسب، اما سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

۱ - آسبا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
لطمه سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

۲ - آسبا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
مجاهدين و سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

مقدمات اين

مخا كده جگوه شروع شده است؟

دسما سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
اس مخا كده را سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
مخا كده سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

خا كده و خده آكا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

اسبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

مخا هدين سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا

سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا
سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا



حق تعيين سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

فلسطین، ۳۲ سال مقاومت خستگی ناپذیر

با فرارسیدن ۱۵ ماهه (۲۵ اردیبهشت) سی و دو سال از اشغال فلسطین و اتحاد دولت صهیونیستی و عاصا اسرائیل گذشت. جنجری که امیرالانجمن جهانی و صهیونیسم با همکاری ارتجاع محلی در قلب خلقهای باورمان نه تنها ندیده چنان از آن خون می چکد، جوسی که خدا سال است در مناطقی چون جنوب لبنان بصورت سسل درآمده است. امروز اسرائیل بهمانا به باسکا مقدم میرا لسم بویژه امیرا لسم آمریکا در منطقه عمل می کند و فریبانی این سیاست در درجه اول خلق رحمتکش و ما از فلسطین است.

با اتحاد دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ که پس از اسالیان دراز سوطه و اخراج فلسطینی ها از وطنشان صورت گرفت، موجودیت خلق فلسطین و میهنی بنام فلسطین ظاهراً از صحنه جهان رخت برست. سازمان ملل و بسیاری از کشورهای جهان وجود این خلق و میهن - این سرزمین حفره را منکر شدند. تا معادمت کم نظیر و بهرمانای خلی فلسطین و ادامه جنگ مسلحانه توده ای س حقیقت را به همه جهان بیان، به دستان و دندمان خلق فلسطینی - فیما بد و فمولا نکه مسئله فلسطینی - سوشل سدی نیست، مسئله ای که گریه را عادلانه ترس مسئله قرن سیم ساسم، سخن به گراف گفته ایم تا بارها به مناسبت های مختلف ارتاریخ مبارزاتی این خلق و مسائل که آنها در راه آزادی خویش با آن روبرو هستند، و سزار خارج و بهرمانایان سخن گفته ایم. سوطه - هاشک غلبه آنها جد در کشورهای - سی حد در ایران در گذشته و حال می - بود افتاء، سوده اسام و حمایت سیدریح حدود از مناروزان آسان را اعلام دانسته

و با کس کرده ایم که بران با بد بصورت با سکا هی برای مبارزات افلاسی خلق فلسطین در آمد. در اینجا لرومی به سکار مواضع اصولی گذشته ما ن سیم و سبریح می دهیم که بهرمانایون یکی از مهمترین عملیات که در روزهای گذشته در داخل سرزمینهای اشغالی فلسطین انجام گرفت و از لحاظ سیاسی و اجتماعی دارای آثار چشمگیری بود مطالبی به اطلاع جوانان سکار سراسیم.

عملیات داخل و اهمیت حیاتی آن در تقویم انقلاب

انقلاب فلسطین در پیینه های مختلف با دشمن درگیر است و عملیات مسلحانه به اشکال زیر صورت می گیرد:

- ۱ - در داخل سرزمین های اشغالی سوسلیه همه های محلی سازمانهای افلاسی در آنجا، و با سوسلیه مبارزاتی که بصدا انجام عملیات معینی در داخل مرز رخته کرده اند.
- ۲ - در مرزها (که امروز تنها مرز لبنان با فلسطین است) بصورت تلیک حمله ره ها بد داخل اراضی

اشغالی و هدف خراب کردن این تالیسات دشمن با درگیری با کشتی ها و با سکا هیای مرزی دشمن.

۳ - درگیری های که فلسطینی ها در کشورهای دیگر جهان، علیه اسرائیل و ساسات و سسته بدان و نیز شخصیت های سرخسده و فعال دشمن انجام داده اند. عملاً - مدعا به سوغ سوم بویژه شرایط سیاسی خاصی بود که بویژه پس از سها جم و حسانه ارتش ملک - حسن در سبنا سمرسال ۱۹۷۰ در اردن و قتل عامی که علیه خلق فلسطین سکار ستم انجام میشد و با شعار "دشمن را در هر کجا ی سکا ستم در حمله فراردهیم"



الف : بمب گذاری در مناطق مختلف بر اساس استراتژی برهم زدن امنیت و ثبات درجا معمه سبو - نیستها و بدین وسیله جلوگیری از مهاجرت صهیونیست - ها به فلسطین و نیز ازاد کردن صهیونیستها ی مقیم به با زگشت به وطنهای خودشان .

ب : درگیری رودر رو با نیروهای انتظامی و نظامی در داخل شهرها و خارج آن. بهنا ه گرفتن در کوه - ها و نیز با سکا هی داخل شهر.

ج : حمله و گروگان گیری افراد دشمن .

وهه این عملیات نظامی اساساً در رابطه با سبج توده ها و بران سکیختن آنها برای مبارزه با دشمن . برای ایجا دجورع در دشمن و برای مقابله با توطئه هاشک دشمن و هد ستاش در داخل و خارج جهت با بود کردن مسئله فلسطین طرح ریزی میکنند، بوده است .

نکته مهم این است که انقلاب فلسطین بعنوان یک جنبش ملی انقلابی توده ای، در کنا و عملیات نظامی به اعتراضات گسترده توده ای، به تحمن ها و کلیه اقداماتی که در چها رچوب همان قوانین اسرائیل و بطور علنی میتوان انجام داد، مبادرت می ورزد و زیر سرپوش های متعدد، از انتخا بات شورا های شهر گرفته تا انتشار کتا بها و مقالات در روزنا بها و... به رشد آگاهی های عمومی می بردا زند. انقلابیون بین کار سیاسی و نظامی عموماً رابطه ای فعال را در جهت پیشبرد هدفهای انقلاب برقرار می سازد .

نگاهی به حوادث اخیر در داخل فلسطین اشغالی

خبرگزاری ها در دمتی روز ۱۳ اردیبهشت خبر داد که "یک واحد از انقلابیون داخل توانسته سسله عملیات نظامی مهمی را علیه ساسات حیاتی دشمن در شهر "الخلیل" (هیرون) به اجرا در آورد. انجام این عملیات در چا رچوب گسترش هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه در داخل صورت می گیرد .

انقلابیون در این عملیات از مسلل و خپاره ونا رنجک استفاده کرده و با مین گذاری و کار گذاشتن بمب حدوده تن از افراد دشمن را کشته یا مجروح نمودند ."

در اجرای عملیات فوق، انقلابیون پس از تدارک وسیعی که در آن شرایط سخت، چندین ماه طول کشید، ابتدا با سلاحهای لازم در منطقه ای کمین کردند سپس با یک تلفن، دشمن را فریب داده گفتند که در آن منطقه خرابکاریان پنهان شده اند. نیروهای اسرائیلی سوسی منطقه گسیل شدند اما طبق طرح حساب شده ای، آنها ناگزیر بودند از راهی با ریک عبور نمایند که بخوبی زیر آتش انقلابیون قرار می گرفتند. با رسیدن نیروهای اسرائیلی، انقلابیون، آنانرا زیر گنا سلاحهای مختلف خود گرفتند و پس از تار و مار کردن و وارد آوردن تلفات فراوان به آنها، منطقه را سالم ترک نمودند و به پایگاههای خود بازگشتند. انجام این عملیات در قلب مناطق اشغالی - بخصوص از این لحاظ اهمیت دارد که این با انقلابیون رودر رو با دشمن درگیر شده اند و قدرت انقلاب را در شکستن دیوارهای شدیداً میهنی نشان داده موجبات بالا بردن روحیه توده ها، ایجا داد عمدا در هر چه بیشتر در آنرا را فراهم آورده و جواب قاطع به دشمنی داده اند که می پندارند با اعمال انواع شیوه های پلیسی و سرکوب و فشار و اخراج مردم از سرزمین شان

صراحت در دمتی سوسین و اردا و ردوما در اینجا وارد جرنجیات آن، جسدهای منت و معنی اینگونه عملیات و آسار سالی و دیلیما سکا آن تمشوم . عملاً - سرج سوم پس از سکت رزمهای عربی در زوش سال ۷۰ آغاز شد و بر طولانی اردن که از لحاظ جغرافیایی شرایط مناسبی را در دمتنه شدید ترس و وسع ترس درگیری های بین فدائیان فلسطین و نیروهای اسرائیلی بود. از سبنا میر سال ۷۰ سبدا س مر سروی فدائیان سسته شد. در سروز سوریه و اسرائیل (ارتقا عاب جولان) نیز مدت ها فعالیت ادا مده است که سبم در نتیجه ساسات سازشکارانه سوریه بروی فدائیان سسه مده است. مرز مصر و اسرائیل سبزره گره در زمان تا صرونه سادات وضع فعالی نداشتها است. تنها مرزی که انقلابیون فلسطینی بهترین استفاده را از آن برده اند و همواره صده درگیری های شدید بوده است مرز لبنان است. اهمیت این مرز در مقاله ای تحت عنوان "مسئله ای با م جنوب لبنان" (پیکار ۱۳) مورخه اول مرداد ۵۸ د، روشن کرده ایم .

عملیات سوغ اول، اراسدای شروع انقلاب مسلحانه محلی و نظیر به اشکال مختلف ادامه یافته است .



میخواهد حق مردم فلسطین در میهنشان را لکه مال سازند. سه چهار سال پیش عملیات درگیری رودرو از جانب انقلابیونی که در با یکا هیا ی کوهستانی موضع داشتند انجام میگرفت. با عملیات دو هفته پیش انقلابیون یکبار دیگر از شیوه سابق استفاده کردند. هدف از این عملیات، اولا مقابله با طسرح یهودی کردن منطقه است.

دشمن در یکی دو سال گذشته کوششهای زیادی برای "یهودی کردن" مناطق عربی بکار برده است. در اجرای این طرح:

۱ - ساختمان ها و خانه های رابه استناد استناد مال کمیتی که به چند صد سال پیش بر میگردد و مثلا نشان میدهد که در آن زمان دور این ساختمان ها خانه متعلق به یک فرد یهودی بوده است از صاحب فعلی آن گرفته میشود و او را از آن محل بیرون می کنند!

۲ - به بیانه اینکه فلان منطقه در حوزه استخفا طسی و امنیتی قرار دارد یا سیم خاردار مشخص نموده اهالی را از آن منطقه می رانند و ارتش در آنجا مستقر میشود و بلافاصله آنرا به منطقه ای یهودی نشین با تمام مشخصات نظامی و اجتماعی یک کمیونس تبدیل می نماید.

۳ - به بیانه ایجاد پارک، مناطقی را علامت گذاری کرده ما حیابا خانه ها را از آنجا ها بیرون میکنند ۴ - مساجد ما کن مذهبی رابه بیانه های تبدیل به معبد یهودیان می نماید. ۵ - مزارا بر ابراهیم (در شهر الخلیل) را که تا کنون بدست اعراب مسلمان بوده به بیانه ای تنگنه ابراهیم بدرویا میر یهودیان بوده است به تدریج به تحریف یهودیان در می آورند.

عملیات فوق در پاسخ به این اقدامات صورت گرفته است، بدین معنی که خلق فلسطین در قبایل این اعمال ساکت نمی نشینند.

هدف دوم از این عملیات این است که توسط خود کرداتی منطقه ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را که بر اساس توافق خاننا کمپ دیوید توسط کاپتر، سادات و یکین صورت می گیرد، در خود خنثی نماید.

تاثیرات سیاسی عملیات فوق چه بود؟

- مذاکراتی که بین مصر و اسرائیل بر سر خود کرداتی این مناطق جریان داشت متوقف گردید.
- با تبعید شدن از شخصیت های ملی فلسطینی بجرم حمایت از انقلاب فلسطین، موج اعتراضات و اعتصابات و راهپیمایی ها در داخل فلسطین بنا گرفت و چنان روحیه مقاومت جوانان خلق را بالا برد که حتی در مناطقی که در سال ۱۹۴۸ اشغال شده و اسرائیل آنجا را مناطق کلا یهودی شده تلقی میکند و بطور مشخص در منطقه "اکسال" در نزدیکی شهرنا صره درگیری هایی با دشمن روی داد که اسرائیل هیچ انتظارش را نداشت.

مبارزه عادلانه و قهرمانانه خلق فلسطین با وجود توسطه های که برای نابودی حقوق ملی او و سرنوشته مسئله فلسطین از سوی امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع عرب بکار می رود، در پیته های سیاسی نظامی و اجتماعی این اقدامات بوده است. حمایت بیدرستی از مبارزات این خلق و طیفه همه نیروهای انقلابی سبزه کمونیستهاست

بنیادهای تشکیل دولت

گردید. لیسرا لیا بلافاصله بدینست سریشی مدرستگسیر گرفتند. با زرگان متذکرند:

"سطر م مادریک حالت نثرت و احتشاشی سر می بریم و غورای انقلاب در حال حاضر حاکمین مجلس می باشد. درخواست رئیس جمهور در مورد تشکیل کابینه به نام ما رسید. من هیچ ماسی نمی سیم که تورا به ای مجلس رای نماید به محض و بر سر دهد."

(انقلاب اسلامی، ۲۲ اردیبهشت)
مضمون چنین حرکتی و نیز بیانه های آنرا در اوضاع و احوال کنونی میتوان چنین خلاصه کرد:

۱ - بحران عمومی اقتصادی و سیاسی در کشور و رشد رفا بیستی، بحران سیاسی با آمریکا و از همه مهمترینش کبری جنبش انقلابی طبقه های است که متنا و با نیروی یکدیگر تا شکر گذاشته و حکومت را با خطرات جدی روبرو ساخته است. در جنبش شرایطی است که بیستی مدرن جناح طرفداران و در هیئت حاکمه میگویند تا هر چه زود تر به درگیری قدرت ها در درون هیئت حاکمه خاتمه داده و ارکان های قدرت اجرائی را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز سازند. با بیستی این مسئله را مدنظر داشت که با در نظر گرفتن یک هفته برای اعلام نتایج انتخابات مجلس و چند هفته برای تشکیل مجلس و تدوین نظام مداخلی و... حداقل یک ماه برای تشکیل مجلس طول خواهد کشید. بیستی مدرن خطری را درک کرده است. تا مدتی او به او و همکاران دست که در شرایط کنونی گذشت روزها نیز در حیات و زندگی هیئت حاکمه فدخلی تا شکر دارد (این مسئله در نامه او به آیت الله خمینی نیز منعکس است). چنین است که با تا شکر گرفتن از آیت الله خمینی، بیستی مدرن مدبری آید که موقعیت خود را هر چه زود تر با تشکیل یک کابینه لیسرالی تحت فرمان او تقویت کند.

۲ - وجود دو فراکسیون کلا مشخص در هیئت حاکمه (یعنی دو قطب فدخلی یکی بیستی صدر و جناح طرفداران او و دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی) از عوامل تضعیف کننده حکومت در سرکوب جنبش انقلابی است. کوشش های بیستی مدرن برای کنترل سپاهیان، دادگاه های انقلاب، کمیته ها و ارگانهای دیگری که مشخصاً در تسلط حزب جمهوری اسلامی است تا کنون کمتر نتیجه مطلوبی برای او و پیروان او داشته است. با افزودن فراکسیون نیرومند حزب جمهوری اسلامی در مجلس شورای اسلامی، کسه اکثریت را دارد، میتوان گفت که بیستی مدرن این آسانی ها قادر نخواهد بود این جناح را زیر نفوذ خود در آورد.

انتخاب نخست وزیر در شرایطی که مجلس تشکیل شده باشد، بدون شک بیستی مدرن را بدستوار می های بیشتری روبرو خواهد کرد. زیرا با استکبار حزب جمهوری اسلامی در مجلس به آسانی نتواند وزیر منتخب بیستی مدرن را تا شکر کند. اگر اینست که بیستی صدر در دست در آمده است پیش از تشکیل مجلس، نخست وزیر را تعیین کرده و به تصویب آیت الله خمینی برساند. مخالفت حزب جمهوری اسلامی نیز با این جریان از همان ابتدا شروع شد.

بنیستی در پایان یکی از جلسات شورای انقلاب اعلام کرد که حق رای تمایل و رای اعتماد برای مجلس محفوظ می باشد (انقلاب اسلامی، ۲۲ اردیبهشت). روزنامه "جمهوری اسلامی" در ۲۴/۲/۵۹ اعلام کرد که "شورای انقلاب پس از بحث و بررسی انتخاب را به

تشکیل مجلس موکول کرد. "دشمن سرست مخالفست جناح حزب جمهوری اسلامی عملا بیست مدرن را وادار کرد که تشکیل کابینه را به سوی بسندارد.

۳ - بیستی مدرن را در دو مورد خواستی خود منتهی "نوی این نظامی" را مطرح کرده است. حالت اینجاست که آیت الله خمینی علیرغم سیردن فرماندهی کسل قوا "به بیستی مدرن در امری که مسئولیت آن به عهده بیستی مدرن می باشد، دخالت می کند: دادن آمادگی با این نظامی پس از تنها جم مردوران آمریکا بی دستور تشکیل شورای دفاع ملی تمیل ارتشکسل مطلق (سویله جمران و خا سنده ای) را می بوده است کسه آیت الله خمینی با نفس مسئولیت بیستی صدر انجام داده است.

آیت الله خمینی بنش مباحی را پس این دو

- وجود دو فراکسیون کلا مشخص در هیئت حاکمه از عوامل تضعیف کننده حکومت در سرکوب جنبش انقلابی است.
- خلق های مبارز ایران در بافتنند هرگاه مسئله سرکوب جنبش تودهای مطرح باشد، تمام جناح های حاکم با یکدیگر وحدتی یکپارچه دارند.

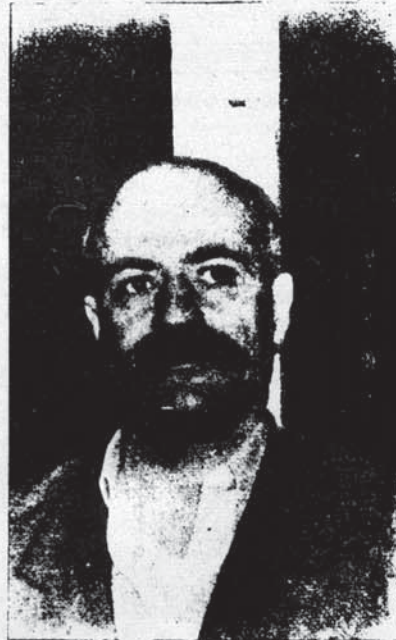
جناح از هیئت حاکمه را بر عهده دارد. او علیرغم اینکه گاهی از بیستی مدرن نیز پشتیبانی میکند، در عین حال مجموعاً به حزب جمهوری اسلامی نزدیکتر است و سیاستهای آنرا تا شکر می کند. درخواست بیستی مدرن در مورد "قنوی" انتظامی نیز از همین زاویه قابل سر خورد است. بیستی مدرن همان اندازه به "تشبیت و تقویت" قنوی انتظامی سپاه می دهد که مثال بازرگانها، جمرانها و... سپاه می داده اند. آنها همگی شان موقعیت و بقا، جمهوری اسلامی را در حفظ و تثبیت هر چه زودتر ارگانهای سرکوبگری بیستند و سبزه بیستی مدرن خود را "و ارت قانونی" این نظام می دانند در راه انجام آن از هیچ جنابیتی علیه طرفهای ایران کوتاهی نمیکنند.

بها دو مبارز در درونی نشینان دهنده یک جنبه از وضعیت جناحی حاکم است آنچه که منس کنند و عامل نرات، وحدت این نیروها در یک مجموعه حکومتی است که ملاحظه رود روی خلق ایستاده و هرآن خواب راه انداختن یک حمام خون را در سر می بروراند. خلقهای مبارز ایران در بافته اندرگاه مسئله سرکوب جنبش بوده ای مطرح باشد (که همواره است) تمام جناح های حاکم با یکدیگر وحدتی یکپارچه دارند. حتی در همین موارد هم هنگامیکه تعدادی بروز می کند، اختلاف بر سر این نیست که بیستی سرکوب کرد یا کمتر سرکوب کرد. بلکه در این است که هر کدام کوشش می کنند رهبری و ابتکار عمل را در حقه گردن انقلاب از جنگال رنگ خود در آورند. نحوه سرکوب نیز می تواند متفاوت باشد: در حالیکه حزب جمهوری اسلامی جناح وابسته به آن سرکوب آتکار و بدون اعطای راد سر لوجه عملگردهای ارتجاعی خود را داده است، بیستی صدر و لیسرا لیا دیگربا ندا و "ترس" را سبزه شکر دارند. بدون شک در محسن بوده ای کات های بیستی در هیئت حاکمه وجود خواهد آورد. آنقدر که بیستی صدر میخواهد (استقرار حاکمیت دولت به نیت بیستی) او می فهمد، خواب و رویانی بیستی نیست. حکومت جمهوری اسلامی فقط مسوانت زحاط "قنوی" خود را تثبیت کند. لیکن در عمل هرگز تا در به انجام این کار نخواهد بود.

جاودان باد خاطره رفیق شهید خسرو روزبه

● واقعیت زندگی و مبارزه انقلابی رفیق روزبه و اختلاف آن با منشی، برنامه و عملکردهای حزب توده در گذشته و حال، این ادعای بیسرمانه حزب توده را که بنشین و نشی روزبه با آنها یکی است، سدیداً رد می نماید.

● من حزب توده را اصلاح طلب پایه اصطلاح فرانسوی هارنمیست میدانم... در صورتیکه من پیغمبر انقلاب هستم.



و غیر زنی و سرزده نمی رانم روزبه و اختلاف آن با منشی، برنامه و عملکردهای حزب توده در گذشته و حال، این ادعای بیسرمانه حزب توده را که بنشین و نشی روزبه با آنها یکی است، سدیداً رد می نماید.

را در دوره شیرمان، راه انقلاب است، و عمقند بود که

حزب توده ایران مثل دارد اصلاحات خود را از طریق سازمان انجام دهد.

(صفحه ۲۷ اطاغت کورگورانه)

با درجای دیگر همان کتاب می گوید:

من حزب توده را اصلاح طلبان است اصطلاح تریستی ها فرزند مندا ام... در صورتیکه من پیغمبر انقلاب هستم.

اطاغت کورگورانه، (صفحه ۱۵۸)

روزبه برخلاف حزب توده میگوید:

کریستوفین مجال دولت شوروی برخلاف دیورات سنی و سانی اساسی خودشان که مخالف هر گونه استعمار و استبداد است، دستگیرش نظری است استعمار ملت ایران دانست. ما با بد بردن که حرف بدیم، و با یک جنگ منبر ما و کمیته می نهادن بودی آخرین فیرد ایرانی بودند آنها معاف بدم.

(اطاغت کورگورانه، (صفحه ۲۱)

و این زمانی است که حزب توده از او استبداد را امتیازات شمال شوروی محبت می کند.

روزبه در طی مبارزات با راجا دستگیر شد و جمعا ۱۲ سال را در زندان با درد زندگی مخفی گذراند. او بر خلاف رهبری سارکا ر حزب توده حاضر در ترک وطن خود بود و تا ۲۱ روز به ۱۵ سپر ۱۳۴۶ بر سر فراری با علی میفی (از سران حزب توده که سر فرار را صبر شده و از سبب بلین در "مانند"، دستگیر شد و پس از ما هم با استقامت و با ندادی همرا با نه در ایستاد و بر سر کج در راه آلمان و ایلی رحمتگان سربازان و به آنها دسترس.

دعا عبات اوست محکم سردان خاشاک فراری کمیته مرکزی بود. او در آخرین دعای عبات خود گفت:

"کسانی بودند که در لحظه امتحان ضعف از آب درآمدند و منکران ملت عقاید و نظرات سیاسی و اجتماعی خود شده و به همین جهت سزاوار زندان آزاد گردیدند. من یکی ندارم که آمان بسا بس سال نما دروغ گفته اند با رسم جان نه مقامات محکم دروغ گفته اند و بهر حال آدمهای دروغگو، رسو و غشاد و حقه بازی بیشتر هستند. مردانگی ندارد و سرای دوقطره خون بس از هر خبر دیگری ارزشناشند."

(آخرین دفاع)

اکنون مردان کمیته مرکزی که از هیچگونه لجن پراکنی در مورد انقلابیون راستین مفا بقیه نمی کنند در نهایت سرخ این رزمندگان راه زحمت - کسان انگ سماح می ریزند و میزورانه، بهرمانانی همچون روزبه را در دید با بد کنیا نوری فرار میدهند.

اما نوده های زحمتکش میهن ما از اختلاف عمیق بین گذشته حیات با حزب توده و زندگی و نبرد دلورانه انقلابیونی همچون روزبه آگاهی و شناخت کامل دارند.

با شخصی از رفیق شهید خسرو روزبه، خاطره پرشکوه این انقلابی وفادار به طبقه کارگر را همیشه زنده نگه داریم:

"اگر ما حق و سبب روزیم سوسیالیستی هستیم، با تمام نعل و نعل و منطبق و درایت خود بر تری اصول آسرا سراسر بر زمینها احسان کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام آزادی تحقق این اصول و با لیتحه ایجاد مناسبات پس برای جامعه ایران و سرانجام تمام سعادت و رفاه و سر بلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است."

(صفحه ۲۵ آخرین دفاع)

نقشه از صفحه ۲۰ جاودان باد

و دانش آموزان خود را سازمان بود و همواره در فعالیتهای سیاسی از قبیل توزیع اعلامیه ها، تراکتها و پوسرهای سازمان و هواداران، فداکارانه تلاش می نمود.

رنج ناشی از ستم سرما به داری وابسته بر کارگران، زحمتگان و زنان شاغل بهاد و آموخته بود که مبارزه علیه بوروکراسی و کندیکنی نظام اداری موجود نمی تواند جدا از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی باشد. بدین جهت وی علاوه بر شرکت در مبارزات صنفی سیاسی محیط کار خود، در مبارزات کارگران و دانشجویان و دانش آموزان انقلابی نیز فعالانه شرکت می کرد.

شورنا جوان نمرد نه رفیق شهید مهنا ز معتمدی ادامه سیاسی است که رژیم جمهوری اسلامی با کشتار خلفها، حمله مسلحانه به صفوف کارگران، بیکار، حمله به زحمتگان بی مسکن، بمباران شهرها و دهات کرد - ستان، تیرور و عدم انقلابیون (بویزه انقلابیون کمونیست) آغاز کرده است.

رژیم این بیکارگر انقلابی را بخون کشید، قلبی را که برای نوده های زحمتکش می تهدید، از کار انداخت تا بحال خام خود از کشتن آگاهی و انقلاب جلوگیری نماید. اما انقلاب همچنان بر سر خونین خود به پیش می نازد تا کورستان امپریالیسم و تاسمی همان داخلی را فراموشد.

با دشمن گرامی، آرمانش با بد و روراهن پیروز بساد درود به شما می شهدای بخون خفته خلق

یاد انقلابیون خلق کرد گرامی باد

خلق کرد در تاریخ مبارزات انقلابی خود شهیدان زیادی را به خلقهای ایران تقدیم کرده است. شهیدانی که راه سرخشان اکنون عرصه بیگانه خویش خلق کرد گشته است. رفیق اسما عیال شریف زاده و رفیق سلیمان معینی از جمله شهیدان انقلابی خلق کرد هستند که در مبارزات سالهای ۴۷-۴۵م آوازا زحمات سراسر ایران و همدوش با بیستمرکان خلق کرد شرکت کردند و جان خود را در راه آزمان زحمتکشان فدا کردند.

رفیق اسما عیال شریف زاده، دانشجوی سابق دانشکده فنی، در زمستان سال ۴۶، دانشکده را به خاطر شرکت در مبارزات انقلابی خلق کرد، ترک کرد. رژیم وابسته شاه برای مقابله و سرکوب خلق کرد علاوه بر تفرقه بیندوختن و سرکوب خود در کردستان، از مزدوران فئودال و مزدوران خاکی همچون ملا مصطفی بازرانی نیز در جهت شناسایی انقلابیون خلق کرد استفاده می کرد. رفیق شریف زاده نیز با تفرقه بیندوختن آریب سرتان شهرمان، بنا بر تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۷ توسط مزدوران یکی از همین فئودالها بنام احمدخان احمدی معروف به کپوراه شناسایی گردیده و به محاصره مزدوران ارتش شاه درآمد و سپس از مبارزه ای سخت و خونین رفیق شریف زاده به همراه سه همزمین با آتش کلوله های آمریکائی و اسرائیلی بخون خویش غلطیدند.

رفیق سلیمان معینی نیز با آگاهی به خیانت ملا مصطفی بازرانی به آزمان خلق کرد با قاطعیت در مقابل این دشمن خلق کرد ایستادگی کرد و بخاطر عشق به نوده های زحمتکش حاضرین در دشمنان خلق کرد سازش کند. دشمنانی که در لباس کردی و بسا هندسی رژیم فاشیستی شاه سعی در بهانه جرات کشاندن مبارزه خلق کرد داشتند. لذا توسط افراد ملا مصطفی بازرانی خاکی دستگیرند. عوام بازرانی او را به قبیح ترین وضعی به شهادت رساندند و جدا و را تحویل رژیم شاه دادند. مزدوران رژیم که از محبوسیت و در بین زحمتکشان کرد اطلاع داشتند جهت تضعیف روحیه مبارزان کرد به یکدیگر خون خفته این رزمنده دلیر را در حالیکه برگردنش جمله "سزای خیانت مرگ است" آویخته بودند در شهرهای با شه سردشت گردانند. اما نه کشتار انقلابیون کرد، و نه خیانت های بازرانی ها مانع از او جگری طوفان انقلابی نوده های زحمتکش کرد نیستند. چرا که علی رغم سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی، خلق کرد با کامیابی استوار در راه شهیدانی چون شریف زاده ها و معینی ها پیروز شده اند و بیگانه می کنند و پیش می رود. درود بر شما شهیدان جنبش انقلابی خلق کرد

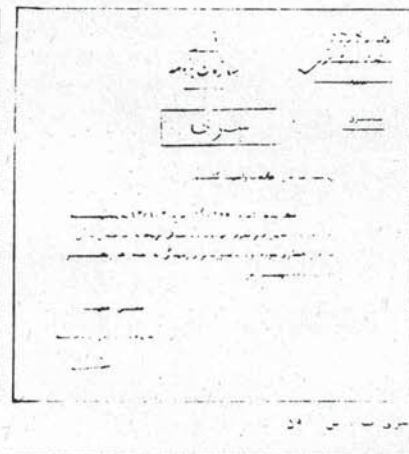
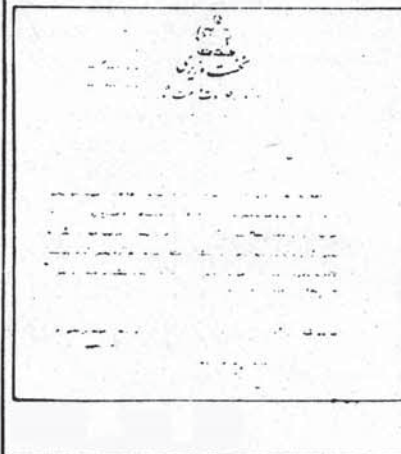


در اولین عمل سال "منبت"، بدست ارتش و پاسداران فدا خلقی بخون خود در غلطیدند!

معین فر مشاور امور ساختمان ساواک!

دوری کشیدم از رژیم جمهوری اسلامی ده روزی معین فر را دیدم و در حال مشاوره بودم. معین فر در این همه کمونیستها را بر سرش ریخته و او را سرگشته و گمراه کرده است. کثرت افکار شورائی و غیر شورائی را در ذهنش جای داده و او را از راههای مبارزه با رژیم وابسته و سرکوب خلق کرد آگاه کرده است. معین فر در این همه کمونیستها را بر سرش ریخته و او را سرگشته و گمراه کرده است. کثرت افکار شورائی و غیر شورائی را در ذهنش جای داده و او را از راههای مبارزه با رژیم وابسته و سرکوب خلق کرد آگاه کرده است. معین فر در این همه کمونیستها را بر سرش ریخته و او را سرگشته و گمراه کرده است. کثرت افکار شورائی و غیر شورائی را در ذهنش جای داده و او را از راههای مبارزه با رژیم وابسته و سرکوب خلق کرد آگاه کرده است.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



منتشر شد:

جنبش نوین کمونیستی ایران و سازمان جریکهای فدائی خلق. لازم به توضیح است که این مقاله در اوائل زمستان ۵۸ نوشته شده و همین لحاظ فاکتها و نمونه هایی که آورده شده به همین تاریخ مربوط میشود. اما گذشت چند ماه و سیاست و تاکتیکهای که سازمان جریکهای فدائی خلق در این مدت اتخاذ کرده است، بیش از پیش صحت ارزیابی و نظرات این مقاله را ثابت می کند.



معرفی نوار ترکی شناخت جامعه سرمایه داری

اخیرا کتاب "جامعه سرمایه داری را بشناسیم" (از انتشارات "تدای کارگر") بوسیله دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به ترکی برگردانده شده بصورت نوار درآمده است. مضمون آن - گذاری بر کارایی رفقا که کوشیده اند بیش از پیش آموزش های سوسیالیستی را به میان زحمتکشان ملیتهای غیر فارسی بگردانند، از زودا رسم که رفقا برای تبیین فعالیتها و توده ای خود پیروزا بند.



